

شغل و قاری بر آیم و یا دست عیال و اطفال ضعیف
یکس خود را گرفته متأسفانه و متعسرانه ترك حاك پاك
تا بنك وطن عزیز خود را گفته خویشتر را در جانی
رسانده که بتوانیم بفعلی و حمالی مشیت عیال و اطفال
خود را نگاهداشته دمای دولت علیه را از صمیم قلب
بجای آریم (جان نثاران صمیمی اجزای پستخانجات
مزعول متحصن)

« جبل التین »

این عرضداشت را چهل و نه نفر از اجزای محترم
پستخانه که قالب معروفند امضا نموده - و بتوسط یکی از
اجلاء رجال محترم بداره فرستاده اند - بدون هیچگونه
تصرفی درج نمودیم - چون از وضع کار و بطون امر
درست مطلع نیستیم از اظهار رای خویش معذوریم
ولی از بیان يك امر ناچاریم که حفظ شئون
ملیه بر دولت فرض است - و سلاح ملك و ملت و
دولت دین است که باصول مشوره و قانون کارهای
ملکی را با افراد ملت خود منظم و مستحکم دارد که
آینده از خلل مصون و محفوظ باشد

« مکتوب از رشت »

(قابل عبرت مقدسین ایران)

(رخنه بر حصن دین نمی یابد نمود)

(کرکه ما خود رخنه در دین پیمبر ناوریم)

بپرواضح است که دول اجنبیه صوماً و دوهمسایه
شمالی و جنوبی ما خصوصاً هم خود را مصروف و
معلوف بر این داشته که اسلام و اسلامیان اگر يك
هفته معدوم نشوند اقلأً بحوزه تبعیت و تحت حکومت
آنها در آیند (موضوع این بحث ایرانیانند)

مسلم است که هیچ يك از اخبار در این خیال
مغایرت بایکدیگر نداشته و ندارند - و اگر احیاناً یکی از
آنها بصلاح حال ما بخت برکشکان حرکتی نمایند بلاشبه
اتضای وقت و صلاح پلنگی خود را در آن دیده و
یا از عدم قدرت بوده - ورنه درین مقصود ابد
مغایرتی بین آنها نیست

مسلماً اخبار در پیش رفت مقاصد خودشان انواع
نیرنگ و اقسام وسایس را پیش گرفته - بعضی به بهانه
انتشار تمدن و تربیت - (که عین شیطنت است) و برخی
به اظهار کله مساوات و برابری و برابری - گروهی

بسم رواج ائمه خود - طایفه باظهار آوردن و
داشتن محصولات مفیده (که خود تخم فتنه و فساد است)
اسباب انهدام و اضمحلال ما قافلان را فراهم می آورند
این مراتب همه نتیجه حمایت و رعایت بعضی از رجال
مست که بدین گونه اسباب انهدام اسلام و اسلامیان
فراهم می آید

هرگز نمیتوان گفت که اسباب همه این امور را
خارج خود فراهم آورده اند - بطور یقین توان گفت
که جمله بدبختی و تمام رسوائی و بدنامی از ماست که
بر ماست - چنانچه در هر نمره جرائد مقدسه از این در
سخن صکته میشود - و ابداً صاحبان اثر نفوذ
نمیکند - و از هیچکس جنبش نمیشود - گویا خون غیرت
وملیت و اسلامییت در جسم ما افسرده است امورات ما
از کلی و جزئی درید مقدرت کسانی میباشد که هم خائن
دولت وهم دشمن ملت اند یعنی برای نفع شخصی ولو
چند لیرای زرد باشد هزار گونه روسیاهی بار می آورند
در این صورت بدیهی است که از دست مجزه و تبه
چه برمی آید ولو اینکه کلمات شمارا قبول و بچشم بسیرت
مال آیند خود را مشاهده نمایند

با این همه برخی از صفات مغریبان بر حال ما حالاً
مفید واقع میشوند و مصدق این مقال ذیلأً خواهد آمد
در ادارات دولتی ما امور سیاسی بواسطه عدم
اخبار بدرجه مغلق است که بهیچ خبر اعتبار نمیتوان
کرد - مگر اینکه الحسان برای العین مشاهده نماید - بدین
لحاظ از اوضاع سیاسی دم زدن - و از آن امله و براهین
ایراد کردن موجب ابراز جهالت و نادانی و کم خردی است
پس خوب است از این رشته بکسیم و به اوضاع
تجارت ملکی که مسیوهای مغربی در ممالک شرق سلطنت
دارند - با بیانی ناقص تصدیق مقالات روزنامه مقدس بنام
قدماً دولیکه در ایران نفوذ سیاسی و رسوخ
تجارتی دارند روس و انگلیس اند - اما انگلیس در
حصه شمالی وطن ما کمتر نفوذ دارد و تبه و تجارتش هم
چندان قابل مفاکره نیست - باید از همسایه شمالی
خود نقل و حکایت کرد و از بدبختی خویش حکایت
هر چند در رشت شعبه بانك انگلیس هم دایر است
و وکیل الدوله هم دارد ولی پیشرفتشان قابل تذکار
نیست زیرا شرایط مرابحه این بانك بدرجه صعب

و سخت است که کتر کسی با بانک انگلیس معامله
 میتواند کرد مگر اینکه ناچار باشد. ولی رفتار و معاملات
 روسها این طور نیست - خیلی سهل و آسان و باکال
 رافت و مهربانی سلوک می نمایند و از روزیکه شعبه
 بانک روس در رشت افتتاح شده اجزای آن آنی
 از شمردن پول و نوشتن اسناد و دقار فراغت
 ندارند - حتی شها هم مشغولند علت این معامله که
 باکال شدت پیشرفت نموده آن است که هرکس پول
 بخواهد علی العمی میدهند - مثل اینکه از صندوق
 بصندوقی دیگر داند (از کثرت نفوذ و اقتدار) و همه
 نوع اشخاص از عالی و دانی از بانک روس پول گرفته
 و میگیرند

مقصود از این بیان مفصل هانا رفتار و کردار
 حضرات روسها و اجزای بانک در رشت بود نه وضع
 تجارت از مطلب دور نیوفتم

در مقابل همارت بانک روس سبزه میدان است که
 محل اجتماع کداه و بیکسان نیز میباشد - ضعیفه در روز
 روشن یعنی وقت چاشت که دارای سه نفر اولاد که دو پسر
 و یک دختر که پسر بزرگ دوازده ساله و کوچکش پنج
 ساله و دختر نیز سه ساله بود بهر مرض که داشت
 وفات کرد - تا عصر همان روز در میدان ماند و از
 بالغ و هزار نفر عبور کنندگان مسلم کسی ملالت نشد
 که کفن دفن میت بر هر فرد مسلم و مسلمه واجب
 است - ابدأ احدی اعتنا نکرد - یک نفر از آخوندها
 که همراه مبارکش چهل ذرع جلواری فرنگی بود رسیده
 می بیند که جمع زیادی میت را احاطه نموده در صورتیکه
 اطفال یتیم ناله و شیون داشته و اشک از چشمان
 مثل باران ریزان بود - در این بین به آخوند چند نفر
 اظهار کردند که این ضعیفه مسلمه بوده شما هم که
 عالم بمشله هستید طوری بکنید که این میت بخاک
 سپرده شود - و این یتیمان بی مادر اندکی تسلی یابند و
 حکم شریعت حضرت خدی مرتبت و احکام قرآن مجیدم
 جاری شود - آخر اینها مسلمان و شما هم پیغمروی اسلام
 هستید - جناب آخوند که بنده خوب ایشانرا میشناسم
 و محض احترام و عدم تضییع نوع اسم نمی برم اعتنا
 ننموده - میفرماید در شهر از ما مسلمان تر و متمول
 تر خیل هستند اینگونه حالی ها با مانده - این کلام

را گفته رد میشود - طرف ضروب آفتاب اجزای
 بانک که از شغل فارغ شده کردهش کنسان از میدان
 بیرون میشوند از مشاهده این حال فوراً از جیب
 خود مصارف دفن و کفن ضعیفه را به چند نفر امین
 داده - اول میت را دفن مینمایند و بعد اطفال یتیم را
 میسپارند به نوکرهای خود که فوراً بهمام برند و
 برای هر یک دو دست لباس تهیه نموده میسپارند
 یکی از فراشهای بانک - و ملای پنج تومان برای اهل و
 شرب آنها از مواجب خودشان مقرر کرده بفراش
 مذکور میدهند - این مخارج برای دو طفل
 کوچک بوده - ولی یتیمی که دوازده سال داشته در زیر
 دست آشپز بنک گذاشته و برای او مواجب معین
 نمودند و از روی شفقت این اطفال باید همه روزه
 طرف ضروب بنظر حامیان آنها برسند - تا در لباس و
 خوراک آنها فراش تقصان نتواند کرد و اکنون اطفال
 هر سه مانند اطفال با پدر و مادر بلکه بهتر زندگی دارند
 خداوند با مسلمانان انصاف و غیرت دهد که از
 مسلمانی جز اسم بی مسی چیزی نداریم - بپوش غیرت
 و ناموس ملی نخوت و کبر حقد و حسد و حیل و دسایس
 و تدویر و ریا و غیره را و غیره بر خود می بندیم !!

مکتوب از بادکوبه

§ از اینکه مدبر (روزنامه مقدس) نظر به پاکی طینت
 و نیکی فطرت و علو همت گاهی کاشف کروب و کهی
 سائر عیوب ملت است شبه نیست - و اگر در حقیقت آینه
 صیقلی نما و یا جام جهان نایش هوایم بطلط سخن
 نراندایم - چه اوست مویذ افکار عالی - اوست مهیج
 خیالات متعالیه - اوست براندازنده مرض نفاق - اوست
 قوت دهنده کله اتفاق - اوست بونه امتحانیکه بیک دم
 مطالعه اش کم عیار و قلب را میکدازد - اوست بهترین
 وسیله تمدن در نزد هیئت جامعه متدینین و متمدینین -
 بجز این کتاب مستطاب که هر قومی از اقوام و هر
 طایفه از طوایف ام اسلامیه او را به بیانی یاد مینامند
 حیل هدایت طامه نداریم اما افسوس ... آه ...

(چه سرمازدکان در طلب این خورشید)

(جان بدادند ولی ابر تر هم نه نمود)

بر همه طالبان آشکارا و مبرهن است که این (روزنامه
 مقدس) که خدایش از عین حوایت مصون فرماید

ماه‌ها را معنی شاه پرستی و ملت پروری آموخت
 زین بحر بیکران بکنار آیم این زمان
 ترسم که بادبان شکنند شرطه خیال
 خلاصه مسافرت اعلیحضرت اقدس هیونی خلداده
 ملکه را از طریق (بادکوبه) و جانشانی ایرانیان که
 مراتب شاه پرستی را در مواقع مخصوصه برصه ظهور
 جلوه داده‌اند. محض مسرت خواطر هموطنان کرامی
 که در بلاد بیده متوقفند در اینموقع متذکر می‌شویم
 الحقی ایرانیان بادکوبه دولت و ملت را نزد اجانب
 سرافراز کردند - مواقعی که قابل ذکر و واقع اسباب
 شکوه و متعلق به ایرانیان بود یکی خانه (باران
 طومانیالس تاجر مسیحی) است که محل نزول موبک
 اعلیحضرت ملوکانه بود -

دیگر کانطور جناب آقا محمد جعفر امین‌التجار
 تاجر رشتی

و نیز کانطور سه نفر تاجر رشتی دیگر و کانطور
 راهران رضا یوف قابل ذکر است

کسیکه در بذل مال و ابراز خدمت کوتاهی
 نکرد جناب امین‌التجار تاجر رشتی بود - چرافانی
 مشارالیه منظره تماشایی را خیره نمود از کثرت ایاب و
 ذهاب راه عبور و مرور مسدود بود این جوان
 مرد شاه پرست دولت خواه تمام ایرانیانرا نزد داخله
 و خارجه سربلند و مفتخر گردانید - بر همه کس واضح
 است این کارها در خارجه بیک اندازه اسباب نفخ
 و مباهات دولت و ملت در بلاد انظار اجانب است
 خداوند این شکوه جوان مردان غیرتمند را در
 هموطنان مقدس مزایا فرماید

خدمات مشارالیه در پیشگاه هیونی مشهود افتاده
 خواطر دریا مقاطر اعلیحضرت ملوکانه بر این تعلق
 گرفت که در حق مشارالیه مرحمتی فرمایند - لهذا
 بنصوب بندگان آتایک اعظم و جناب مشیرالملک به نشان
 جلیل شیرو خورشید از درجه سیم مفتخر آمد

این هم عرض شود که در حقیقت بشارتی است
 از وضع و کردار و رفتار عموم ایرانیان بادکوبه مکرر
 بسع حضرتعالی رسیده است که بواسطه نبودن زنجیری
 صحیح همیشه قهرایشان اختلال داشت این اوقات از
 تدابیر مخصوصه جناب فخرالملک آنهم تا یکسکدرجه

موقوف شده - در عرض هفته روز یکشنبه از پنج الی
 هشت معین شده که فیصله امور تجارتنی و غیره شوم تجار
 مخصوص که برای عضویت مجلس تجارت منتخب شده
 بقرار ذیل اند

- § جناب آقا سید موسی مجید اف تاجر خلخال
- § جناب آقا محمد جعفر امین‌التجار تاجر رشتی
- § جناب آقا محمد حسین باقر اف تاجر یزدی
- § جناب حاجی رضا اسداف تاجر تبریزی
- § جناب آقا میرزا محمد حسن اف تاجر تبریزی
- § جناب کربلائی تقی ابراهیم اف تاجر رشتی

حق این است این قبیل کارهای جناب فخرالملک
 را کمتر قولسهای گذشته بفکر بودند امیدواریم پیش از
 پیش اسباب ترقی و آسودگی عموم رعایا را فراهم بیاورند
 (ح . . د)

مقاله یکی از دانشمندان

(در اصلاح نصاب مدارس بنکال)

درین اوان که زمان شایستگی است از هر طرف این
 ندا بگوشمان میرسد که طریقه تعلیم عربی که در مدارس
 بنکال مروج است ناقص و بکلی مناسب و مقتضی وقت
 نیست - و علاوه فائده نیز بر این قسم تعلیم مترتب نمیشد
 حتی آنکه بعضی از طلاب این مدارس اظهار تأسف
 میکنند که عمر بیش بهای خود را بخواندن کتب چند
 که نه برای دنیا و نه بجهت عقابیشان بکار است رایگان
 گذارده و بکاری مفید و امری مهم همدست و همدستان
 نشده اند بدو بامیدی قوی و نیتی خیر آغاز گرفتن
 درس مینمایند - ولی چون نقاب جهل دور و چهره
 معارف ظهور می نماید رفته رفته از رطب و یا بس
 و نشیب و فراز احتیاجات آکمی حاصل کرده از کرده
 خویش پشیمان شده و از تحصیل خود شرمسار میگردند
 الحاصل بی سود بودن تعلیم عربی مروج در مدارس
 بنکال و شکایتهای تباهی آموزگاران صورتی هیبت ناک
 اتخاذ کرده - این زمان همدره ان قوم و دین اسلام را
 متوجه ساخته و زرمیم نصاب مدارس عربی را از جهت
 مسائل دینی و لازمه بهمان می آورند - و بسامی جمله
 بخود در کشادن این عقده لایحل برداشته اند
 جای سوختن دل اینجاست که چند نفر از رجال ماکم
 اغراض شخصی را دارا هستند - وهم در حلقه مشیران

ملت خود را برهبری قوم نام برادر کرده اند که سر خود را از دریچه مخالفت فراز کرده سخن چند که راست بذقن و بقب جبه می ماند در انجمن یاران طریقت خود میگویند - و وقتی بروش مرقابیکه جبه بریدن بر و بال خود را بجلبش می آرند دست و پای خود را حرکت میدهند - تا چنان آشکارا تردد که شاید بزودی کارهای ملت را بیایان خواهند رسانید پس از این رو صاف ظاهر میشود که از ایشان کاری بهتر بمرض ظهور نتواند رسید - (مرا بخیر تو امید نیست شر مرسان) مصداق حال ایشان است بدولت خبیمة انگلیسیه اخلاقاً فرض است که دراینکار اهم که تعلق بصلاح و فلاح حصه بزرگی از رعایای او دارد بشخص شخص خود اقدام نماید - و افسران مدارس را مجبور دارد زیرا که تبدیل نصاب مدارس همی امروز خیلی اهمیت دارد - از نصاب حاله بطور قطع و یقین ضروریات وقت دفع نمیشود و محصلین مدارس چیزی از لوازم زندگانی از تحصیل خود ما حاصل نتوانند کرد - از اینجاست که دیده میشود آنها که نیروی کرد آوری معاش ندارند ب مجبوری قناعت بر صدقات و تبرعات همسایگان میکنند - شک نیست که مولویان ما که اعداد آنها کم از سند یافتگان (دارالعلوم) کلکته نیستند در خواندن نصاب مدارس مدنی دراز محنت جانکاه را صرف نموده ولی از ایشان کاری سود مند برای دین و دنیا و ملت و دولت خودشان یا برای ذات خود سر نتواند زد - پس بیکاری مولویان ما را یکی از اسباب نزل قوم و ملت اسلام بشمار باید آورد -

باید دانست که هر فرد مسلم شرعاً مأمور است که برای درستی عقائد و اعمال خود علم بیاموزد و بعد از آن برای کردن اسباب زندگی صنایع و حرف را که مفید بحال خویش داند تحصیل نماید و این سبک را قطعاً اردوی شرح محانت نیست - در محاکم عثمانی و دیگر بلاد اسلام مدارس و مکاتب دینی بسیار است که در آنها تعلیم ضروریات معاش را هم داخل نصاب گردانیده از این رو دیده میشود که محصلین آن مکاتب را اعضای ریسه سلطنت قرار میدهند و هم سلطنت از نیروی آنها تقویت عظیم حاصل می نماید

در تعلیم مدارس اموال بسیار صرف می شود و لکن از آن تعلیم فائده با باید نمیدود - اصلاح این امور بر رؤسای روحانی ما واجب است که بفراستند - ما می بینیم که حالات مولویان مدارس و دولتی نهاده پس اگر روزی چند کار بدیننوال بگذرد ضرور یکی از دو امر واقع شود یا مدرسه ما مسکن و مأمن فراخ و زغن گردد و ول خود آن را مزین خیر و برکت بیان کرده مردمان ترک تعلق آن گویند - و یا چون مولویان خودشان خواهند دید که آنچه از صرف ثروت و محنت شاقه آموخته اند هر برابر سند یافتگان دارالعلوم وقتی ندارند و نزد دولت و ملت علم آنها مصادف با جهل است - بنسبیت وقت انجمنی ساخته حرکتی نا شایسته خواهند نمود و از دولت امر را خواهند طلبید که سرمایه لیاقت آنها فراخور آن نباشد - طاعت این سلوک طامه مسلمانان را از طرف دولت بدظن خواهد ساخت - خدا از چنین احوال ما را محفوظ و مصون دارد

اگر مریبان اسلام که خویشتن را قائد ملت و راعی و سائق ما ملحق فلک زده تصور می نمایند ملتفت این نکات باشند یقین است قبل از وقت حفظ ما تقدم نموده رفع این فائلات که حتمی الوقوع است می نمودند ولی هزار افسوس که

(من و معلم خود هر دو همچو مغلویم)

(که هر یکی دو صری خوب میخواهیم)

(ع - ج)

منقول از روزنامه اطلاع

(الجود بالنفس اقصی ثایة الجود)

§ جوان انگلیسی (اوارد) نام از دودمان بلند و پیوندهای ارجمند مبتلا بمرض کشته برای تبدیل آب و هوا و طلب صحت طازم (استرالیا) شد ولی تقی از هوای آنجا ندید - پس از دو سال از آنجا معاودت بانگلیس وطن خویش نمود - و در پیی که در کشتی بخار با جمعی دیگر مسافر طی بحار مینمود با جوانی از اهل وطن آشنا شده - از سرگذشت حال وی آگاهی یافت که او مدتی سه سال است زن و دو فرزند و پدر و مادر پیر خود را با حال عسرت در وطن گذاشته با استرالیا سفر کرده است که تحصیل ثروتی نموده آنها را از فقر و

برهمنی برآمد و اینک بنده او آنکه بخدای متکلم و یوا
 جهر مطلوب حلی، عطا فرموده با بصمت بسن مراجعت
 یوطن، نهانید بوجایه اشتیاق و ابدیدار والدین و زن و
 فرزندان طوبی داد در روزی که مهارالها بصحبت و گفتگو
 مشغول بودند دریا منقلب و متلاطم گشته و امواج عظیم
 برخاسته اکثری از آب علوتند را کین هم منتظر قضای
 عجزم شدند و همه کشتی قتلان بتلیه ما پرداختند که
 آیه اکثری را با آنها بیرون کشند ممکن نهد چه آبی که
 ماضی کشتی میشد از آنچه از آن بیرون میکشیدند فزونی
 داشت و کشتی بنا کرد کم در آب فرو رفتن - ناهدا
 ملائجان کشتی را فرمان داد تا قایقها را حاضر نموده
 مسافری را از کشتی بقایقها فرود آرند زیاده از دو
 قایق نبود چه باقی قایقها را آب برده و مفقود کرده
 بود و چون دو قایق زیاده از نصف را کین کشتی را
 کنجایش نداشت ناهدا حکم کرد اساسی تمام مسافری
 را بر کاغذ پاره های کوچک نوشته نصف آنها را بطریق
 قرعه بکشند تا هر که قرعه نجات بنامش نیفتاد در کشتی
 ضریق مانده رخت بورطه فنا کهد و باقی که حیانشان
 مقدراست نجات یابند

پس ناهدا شروع بکشیدن اوراق کرده در آنحال
 مسافری هم ضریق بحر فکرت و خیال و واقف میانه
 دو سرحد موت و حیات بودند
 و واقعا قلم از تعبیر و تحریر آن موقف هولناک
 عاجز و قاصر است

چون قرعه تمام شد آنانکه نجات قسمتشان شده بود
 بقایق فرود آمدند و از جمله آنها ادوارد علی
 بود که اولین ورقه بنام او کشیده شد و آخرین شخصی
 بود که خواست از کشتی بقایق آید در آن هنگام ملثقت
 رفیق خود شد که از جمله هالکین و بارنگ زرد و
 حال دگرگون بجانب ناچیان بحسرت نگران است
 بیاد آورد که او آرزومند دیدار زن و فرزندان
 و والدین خود بود

و بعد از آن که بکدیین تحصیل مالی نموده که
 آنها را از چنگ فقر و نیستی و بلای تنگ دستی نجات
 دهد جداوند برای سرک و غروب حویلا مقدر کرده
 لبت - صریغ غیرت و شهامت و جوانمردی بیجان
 آمده رفیق خود را ناز کشتی چسبناک اشاعت و به آواز

بند سفریاه کرده که این را عوض من بگیرد
 پس او را از آب بر آورده در یکی از قایقها جای
 دادند و از فوق نجات یافت
 چند نایب نگذشت که دریا مسکنتی بخار را فرو
 و اوارده هلاک مسکردید یعنی شهید غیرت و جوانان
 مزدی شد

پس این است معنی شهامت و جوانمردی مردان

قیمت پنبه در دوم آگست

نرخ پنبه در بازار (لورپول) تا یکدرجه کساد و پنبه زیادی
 وارد نه شده فروش پنبه در بازار (لورپول) (۶۰۰۰) بسته
 معامله و حمل بخارج شده - (۵۰۰) بسته
 اسرزد وارد شده - (۱۰۰۰) بسته
 قیمت پنبه متوسط (امریکا) در (لورپول) - رطلی
 چهار پنس و سه ربع
 نرخ پنبه اهلائی (مصر) در (لورپول) - رطلی
 هفت پنس و نیم

قیمت آینده پنبه که مومن و معامله شده است
 در ماه آگست - و سپتمبر - رطلی چهار پنس و سی
 و یک از شصت و چهار
 در ماه سپتمبر - و اکتوبر - رطلی چهار پنس و بیست
 و یک از شصت و چهار
 در ماه اکتوبر - و نومبر - رطلی چهار پنس و پانزده
 از شصت و چهار
 در ماه نومبر - و دسمبر - رطلی چهار پنس و دوازده
 از شصت و چهار
 در ماه دسمبر - و جنوری - رطلی چهار پنس و ده
 از شصت و چهار
 در ماه جنوری - و فروری - رطلی چهار پنس و ده
 از شصت و چهار
 در ماه فروری - و مارچ - رطلی چهار پنس و ده
 از شصت و چهار
 در ماه مارچ - و اپریل - رطلی چهار پنس و ده
 از شصت و چهار
 بازار (نیویارک) نرخ پنبه متوسط رطلی هشت سنت و
 پانزده از شانزده
 بازار منجست تا یکدرجه کساد است
 فروش پنبه در یکمته (۲۸۰۰۰) بسته
 آمدنی در یکمته (۱۵۰۰۰) بسته
 موجودی (۵۷۰۰۰۰) بسته
 بازار بسبب تعطیل تا روز سه شنبه بند خواهد بود

دعوی

کالسکچیان دهل قبل از وقت قرارداد داده اند که در
 جشن تاجگذاری کرایه یک کالسکه را روزانه پنجاه رویه
 مقرر نمایند حکام بلدی این زیادتی را یکدرجه علاج نموده که
 تا مقام دربار و نایبها که دارند و با آن کشیده کالسکه بخار

موفق جاری نموده یکی تونه دندان طمع کالسکیان را شکسته اند. امرا و بزرگان بیشتر کالسکه همراه خود خواهند آورد و از بیاد این ظالمهای دستکوتاه آسوده خواهند شد چهارده روز ایام جشن است هفتصد روپیه قیمت يك اسب و کالسکه میشود متوسطین خوب است که یا بذریعه راه آهن و تراموه سفر نمایند و یا کالسکه همراه خود به برند

غیرت یا قتل محمد

یکشنبه در محله (مجهوب بازار) یکی از مسلمان بخاری غلام محمد نام زن خود را علانیه بقتل رسانید - قرب دو ماه بود زن او با دیگری آشنائی ناجائز پیدا کرده از خانه شوهر صاف صاف بیرون رفت - شوهرش چند مرتبه سعی نمود که بملاطمت زن خود را بمخانه خویش باز آرد ثمر نه بخشید - بکشنه مذکور کاردی برداشته بمخانه که زانش می ماند رفته باید اینکه زن و آشنایش را یکجا یافته کارم در را يك مرتبه تمام کند - در این امر مأیوس شد چه که آشنای زن در خانه نبود ناچار بر زن حمله نمود و چند زخم کارد بروی زد زن از خانه بیرون دویده داخل کوچه بن بست شد - شوهرش هم در تعاقب او چند زخم دیگر باز باو زده کرمخت پلیس چون دید دیوانه وار با کارد خون آلود میدود گرفتارش نمودند - چون مردم داخل کوچه شده زن را بهوش یافتند آن زشت سیرت را برداشته به بیمار خانه بردند ولی بعد از ساعتی فوت شد مرافقه در محکمه پلیس دایر است و مشغول تحقیق حالاتند و مجرم نظربند است به جرم قتل محمد باغیرت

تجارت افغانستان و هند

رویه که والا حضرت امیر حبیب الله خان در تجارت هند و افغان اختیار نموده خیلی مورت ترقی تجارت شده است بیدار مغزی امیر عبدالرحمن خان و دانائی او را در هر يك از معاملات پلتیکی و ملکی قابل تمجید میگویند - از کربک زیادی که بر مال التجاره خارجه نهاده بود خیلی به تجارت نقصان وارد آورد - البته مصلحتی در این امر امیر مرحوم دیده بود که تجارت خارجه را در خاک افغان ترقی نمیداد

از فهرست کمرکات سرحد در ماه اپریل ظاهر میشود که ماه مذکور دویست و ۷۲ هزار و ۳۲۴ روپیه

مال التجاره از هند به قندهار رفته و سال گذشته همین ایام یکصد و ۷۲ هزار و ۳۲۴ روپیه رفته بود در تجارت کابل ترقی زیاد هویداست چنانچه سال گذشته هر ماه اپریل چهار صد و بیست و پنج هزار مال التجاره روانه شده بود و امسال در همین ماه يك ملیون و دویست و بیست و پنج هزار روپیه مال التجاره فرستاده شده است - تجارت ابریشم سال گذشته در همین ایام ۲۷۶ روپیه بود ولی امسال بالغ از پانصد هزار روپیه شده است - ملبوس ابریشمی سال گذشته ۶ هزار روپیه روانه شده بود امسال در ماه اپریل باندازه (۵۸۸۶۵) روپیه بقم آمده است چنان چین بمقدار (۷۸۱۱۰) روپیه و از هند (۲۹۹۶۵) روپیه وارد کابل شده و اشیاء مختلف باندازه دویست هزار روپیه در کابل وارد گردیده است - آنچه مال التجاره در ماه اپریل بکابل رفته دو ملیون و دویست و ۲۲ هزار ۹۲۵ روپیه بوده است - و سال قبل از آن ششصد و ۹۶ هزار ۸۹۷ روپیه بود و در سنه (۱۹۰۰) بالغ بر سیصد هزار روپیه بوده است

اخبار خارجه

در دارالمملطنه بر تکبیس طوفان شدیدی با برف و رعد زیاد آمده نصف شهر خراب و هشت جهاز را پاش پاش نموده است

طمس لندن مینویسد که اخبارات فرانسه سابق درباره (لارده کنجر) بسحق قلم فرسائی می نمودند این ایام قلم خود را نگاهداشته به نرمی در تعریف او بیانات چند دارند از قبیل آنکه اگر (لارده کنجر) نبودى فتح میسر نشدی و صالح بانجام نرسیدی

شنبه گذشته در (سوج کلب) لندن دهوت از وکلای بومی شده بود

افواه است که اهالی کافرستان مجدداً سربیشانی کری زده حاکم شهر حکام اداره جنکی را خبردار نموده است

ترقی تعلیم در ملت آلمانی از تمام ممالک اروپا نیک و زیاده شده - تخمین نموناند که در (۲۱۳) نفوس یکنفر قابل آن میباشد که در امتحان دارالعلومهای عالی داخل شود - در درجه تعلیمی بر تمام ملل اروپا توفیق حاصل

نموده اند این جنیت مخصوص هیچیک از ملل اروپا را حاصل نیست

§ المولود مورخه ۲۲ ربیع الاول مینویسد که زنی مغبه در شام طفلی آورده که جسمش مانند پارچه کوهنی نمودار بود - هنگام کریستن طفل از آن پارچه کوهنی چنان آواز اخراج میشد که مردم را بهراس می انداخت قابله بیه بمجرد مشاهده این حال بخوف جان ترك حمل کرد - و پس از چند لحه بیه بمرد وقبله از خوف قریب به هلاکت رسیده است

§ کپنی جدیدی بشركت انگلیس و روس برای کفیدن راه آهن (توسک) الی (سمرقند) قائم شده اجازه تعمیر نیز حاصل نموده اند - شركت دولت روس ۶۵ فیصدی خواهد بود نصف عملیات انگلیسی نصف دیگر روسی خواهند بود

§ ششم جولای در لندن از جانب اعلیحضرت ادورد حکم اطعام مساکین شده بالصد و هشتاد هزار نفر شربك خوان نعمت بودند

§ مهاراجه کوالیار بجهت سیر بمالك اروپا رفته قبل از روز تاجگذاری بتدن مراجعت خواهد نمود
§ یکی از متمولین فرانس که (سلطان قره) خطاب داشت ۲۱ ماه حال در لندن وقت نمود

§ یکی از سنک تراشان لندن را فرمایش شده که برای قبرستان دهلی جسمه ملکه متوقه را ساخته و بالای سنک آن نام افسران زمان بقاوت دهلی را که کشته شده کنده بکنند

§ جنرل (دیوت) ترنسوالی بعد از سیاحت انگلستان برای فلک زدگان (بوتر) بفرض فراهم نمودن وجه اطافه در آلمان و استریا هنکری خواهد رفت - جنرل بوتها در بلژیک و فرانس - مستر (رئوز جنرل لوکس میر) عطف توجه در امریکا خواهند نمود

§ این امر عجیب شده که (جنرل بوتها) را در سرحد (ایله رشوت) بعهده جلیلی تعیین نمایند

§ جنرل کرونیجی سردار جلیلی بوتر که اسیر (لارد رابرت) شده بود قبول اطاعت نموده عنقریب از (سنت هلنا) به ترنسوال مراجعت خواهد نمود

§ از روی تکررات جدید چنان مستعد می شود که رؤسای هند و قشون معاون تا ماه آینده در لندن قیام خواهند داشت

§ اخبارات انگلیسی افواهای نویسد که دولت روس در شهر و قصبه بزرگ طهران وقارس ادارات تجارتی باز نموده در سدد افتتاح مدارس چند نیز میباشد حصه دوم این عنوان تا کنون اصلیت حاصل نه نموده است
§ ازین به بعد حکومت مصر قورخانه لازمه را از هندوستان طلب خواهد نمود

§ زوجه حکومت سلانیک (مکی پیک اقدی) از نام دختر مرحومه خود در دفترامانه راه آهن حجاز یکصد لیرای عثمانی ارسال داشته - این خاتون محترمه سابق براین نیز ۲۵ لیرا بمجامع صوفیا و ۲۵ لیرا دو مدرسه سلانیک اعانه از نام دختر خود فرستاده بود
§ سابقاً زارین بیل طور را برای آب تکالیف زیاد رخ می نمود ازین رو حکم شده که ندارك آب در آن مقام دیده شود

§ امپرا طور آلمان خدیو مصر را به نشان درجه اول (سینت الکترندر) و نشان های مختلف بچند افسران ایشان میاه داشته است

§ برای آب یاری به زراعات مصر علیا بالصد هزار روپیه تخمین شده است -

§ سرمایه بنک زراعتی عثمانی وشاخهای او را بعضی از اخبارات معادل چهل میلیون روپیه می نویسد ۴۲۲ شاخ دارد (۲۶۶۷۴۰۸۸) فروش بسوان قرض زارعین از او وام گرفته اند

§ در جزیره (روس) شخصی بممر یکصد یازده که تمام امور زندگانی خود را مانند جوانان میکنند دیده شده - قوای جسمانی او تمام صحیح و سالم است - این مرد معمر در سنه (۱۷۴۶) در افواج عثمانی داخل و منظور نظر سلطان محمود بوده است - در آن زمان بعهده (سکرنل) نائل شده - بعد از ختم ملازمت و وظیفه او ۲۰ سکنون و برقرار است

§ در مقام (شرین) علاقه مصر یوسف اقدی نام از حکیمه قنوت خود مدرسه اسلامی افتتاح نموده است

اخبارات خاصه

§ تمرهائیکه با تصویر پادشاه انگلستان آماده شده از دهم ماه اگست جاری خواهند داشت یعنی بعد از اطلای مراسم تاجپوشی

§ مستر دین (وزیرت کشمیر) حأمور سیاسی انگلیس تا زمانیکه مستر بارنس در انتظام دربار دهل مصروف باشد قائم مقام خواهد بود

§ عدالت‌الغالبه پنجاب از (۸) ماه اگست الی (۱۸) اکتوبر تعطیل خواهد شد

§ قانون تازه در صوبه متعده جاری شده سکه ملازمین سفاتی بلد مجبوراً در عمر (۶۵) سالگی باید از عهده خود کناره گیرند

§ (مستر استین) ناظر (لظام کالج) بجای نواب محمدالمک ناظم سررشته تعلیم مستقلاً مقرر گردید

§ تقریباً یک هزار نفر اسرای بوز از ترچنابی - بمبئی - کتی وغیره هضم اگست به جانب جنوب افریقا روانه خواهند شد

§ حکیم عبدالحاق (گورکپوری) را حکمته سفاتی بلد صد روپیه الهام داده سکه از دوائی او بسیاری از مبتلایان طاعونی همت یافته اند

§ حکومت پنجاب را حکومت هند هدایت نموده که بعد از ختم موسم باران به طاعون کوبی شروع نمایند و بجهت این امر چند داکتر نیز از لندن طلب شده تخمین خرج هشتصد و پنجاه هزار روپیه شده است § هفته گذشته در تمام هند از مرض طاعون (۱۱۰۰) نفر تلف شده از هفته ما سبق ۵۸ کم تراست - مضافات بمبئی ۷۰۱ - امارت میسور ۱۸۴ - پنجاب ۸۰ بشمار آمده است

§ مرض هیضه در پنجاب شروع شده ماه گذشته (۱۰۹) نفر مبتلا شده و روز بروز عده اموات زیاد می شود § در احمدنکر ارس پاسبان تاریخ ۶ - ۷ و ۸ نومبر مقرر شده است

§ این امر تصفیہ یافته که او اخر ماه نومبر (لازد کچتر) وارر بمبئی خواهد شد و در همان ایام عهده سپه سالاری هند را از (سرپور پامر) انتزاع خواهند نمود کرنل هملتن پیکار فوج هم دومیت او میباشد § بواسطه سورت حرارت مبتلایان طاعونی در تمام

صوبه پنجاب کم شده لذا حکام صوبه لاهور را رای بر این است که طاعون کوبی را برای چندین موقوف دارند و در آغاز موسم سرما مجدداً شروع بطاعون کوبی شود چه طاعون کوبی در هر جا مفید ثابت شده است § بنکال تزیل وجه را تخفیف و فیصدی سه قرار داده است

§ باز کجوات خبر رسیده که هفته گذشته دو آن صناعات باندازه سه انچ باران آمده تا کنون پنجاه انچ ده انچ باران باریده و در تمام مضافات شهر نیز باران خوبی شده است

§ دارالعلوم جدیدی در فنون (مهندسی - انجینری) حکومت بنکال به تأیید نواب صاحب دها سکه افتتاح خواهد نمود

§ حکومت بریلی باز ۲۲ هزار روپیه منظور نموده که در شفاخانه و نشیمن کامای افواج بذریعۀ قوه برقی با دزدن جاری نماید و تا کنون در این راه یک صد و ۵۸ هزار روپیه صرف کرده اند

کلکتہ

§ (مستر اف - کی - داین) که یکی از مفتشین کلکتہ است (۷۵) جولای تقشس مرک (هنری - ادورد - دیلک) که یکی از ملاحین جهاز (استرن برکر) بود و در (بندر گاه) کارخانه کشتی سازی (کهدرپور) عصر (۱۶) ماه جاری غرق شده بود - نمود کواهان چند شهادت دادند که متوفی با چهار نفر دیگر از همان جهاز برای غسل در کنار دریا آمده تا که در آب رفته برقصایش اظهار داشت که دم میخواست شناوری نیام رفقاییش میدالستند که دست آب ندارد مانعش نموده منعان بسود شده خود را در آب افکند چون آب از سرش گذشت غوطه چند خورده در آب غرق شد یکی از رفقا برای معاوتش در آب رفته او را نیافت دوباره در آب اندر شده کامیاب نهد یکی از همراهان بر جهاز رفته قلابی آورده در آب انداخته چند او را از آب بیرون کشیدند داکتر جهاز هر چند سعی نموده تدبیر کرد فایده نخبید - مقشس مزبور پس از رای دهن بر اینکه حاشا غرق قدم حکم نمود که در کنار دریا سببتدند برای غسل نمودن بملاطنت

اداره جبل المتین

(میرزاپور استریت نمبر ۲۵)

کلیه امور اداره

(بامدیر کل مؤید الاسلام است)

منیجر اداره

(د جواد شیرازی است)

هر دوشنبه طبع

(و سه شنبه توزیع میشود)

بتاریخ دوشنبه

(۶ جمادی الاول ۱۳۲۰ هجری)

مصادف با

۱۱ اگست (۱۹۰۲ میلادی)

روزنامه مقدس

(سنه ۱۳۱۱)

قبل از دریافت نمودن قبض مخصوصه اداره هیچ يك از خریداران نباید قیمت اخبار را بحدی تسلیم نمایند



فمه دار صحت و سقم املاتی که در اخبار داده میشود همان کسانی میباشد که اعلان داده اند

اجزای اداره فمه دار صحت و سقم عنوانی هستند که از طرف خود مینگارند نه عناوین وقایع نگاران و صاحبان مکاتیب و منقولات یا ترجمه از سایر جراید

قیمت اشتراک

(سالانه — شش ماهه)

هند - و برمه

(۱۲ روپیه — ۷ روپیه)

ایران - افغانستان

(۴۰ قران — ۲۵ قران)

عثمانی - و مصر

(۵ مجیدی — ۳ مجیدی)

اروپا - و چین

(۲۵ فرنک — ۱۵ فرنک)

روسیه و ترکستان

(۱۰ منات — ۶ منات)

(در این جریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دوائی و فواید ملتی بحث میشود)

(مراسلات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

فهرست مندرجات

تکلیفات • داستان روسیا • شمه از حالات تاریخی
سمانان مجمع الجزائر • کرمان • بحرین و دولت روس
ترقی روابط پست جده و هندوستان • مکتوب از اتزلی
ایضاً • بارندگی • راه آهن حجاز • بوشهر • مستر
بافور صدراعظم تازه انگلستان • دولین فرانس و
سیام • مکتوب از طهران • مکتوب قصه نما • مکتوب
از کرمانشاه • جبل المتین • مکتوب از رشت
جبل المتین • مکتوب از لندن • مکتوب وقایع نکار
سیار • تجارت روس در خلیج فارس • زلزله بندر
عباسی • قابل توجه لارڈ کرزن فرمانفرمای هند
ترقی استعمال چائی • حیدرآباد دکن • علاج طاعون
ایران • هراج چائی • افغانستان • کلکته • قتل
محباب خان • کلکته • اسباب و رشو • اعلان
یعنی قنیا • ساما توذا • کارخانه اشیاء ورشوی
و مفوض • قیمت پنبه در دوم آگست • شرح اجرت
طبع کتب و غیره • اعلان

تکلیفات

(یکم - آگست)

اعلیحضرت (دوم آگست) برجهان خاصه خودبخود
یا (برایتی) تفریح نموده روز چهارشنبه یا پنجشنبه

بلندن مراجعت خواهند نمود -

مرافعه (کرنالنج) که در جنگ آفریقای جنوبی
با بوئران مشارکت نموده با قشون انگلیس محاربه کرد و
چندی قبل خود را تسلیم نمود - بعدالت تفویض شده است
لش نعمت و هفت نفر که در حادثه (ولنگانک)
هلاک شده بدست آورده اند
رسماً اعلان یافته که (لفتننت جنرال فارستیر واکر)
بمهدت جنرلی نائل گشته و مهاراجه (بکانیر) بمهدت
(اید کاک - ندیم) اعلیحضرت پادشاه انگلستان مفخر
آمده است

(دوم - آگست)

اعلیحضرت (ادورد هفتم) امروز در (کوز)
روغی افروز بودند - چند نفر را نیز بارحضور دادند
سامان جراجبانی را در ادارات دولتی از نو مهیا مینمایند
دیروز جهاز جنگی دولت ژاپون (اسامه) با جهاز
اعلیحضرت که به (برایتی) است ملاتی شده سلام
نظامی داد -

تخمین شده که در حادثه (ولنگانک) یکصد و بیست
نفر هلاک گردیده اند -

(مستر استاثن) رئیس جمهوری امارت (آرنج) با
اهل و عیال خود وارد (سوتهمتن) گردیدند - مستر

(استان) را چون نمی‌تواند بسبب مرض لقوه بائسرا حرکت داد بر نمخته خوابانیده بر جهاز جنکی دولت (دج) که در آن (فیشر) و (وسل) سرداران بوئر نیز بوده سوار نمودند - مستر (استان) در (هولاند) معالجه مرض خود را خواهد نمود

§ خبر (روتر) خبر میدهد - که اگر هنر دولت چین درباره کشورانی حصه اندرونی مملکت آسمانی قبول شود اشاره است عنانقت حکومت (بیکن) - تجاری که در چین تجارت می‌کنند این معاهده را ناقص تصور می‌نمایند -

(سوم - آگست)

§ اعلیحضرت (ادورد هفتم) دیروز بخودی خود بر جهاز چند قدمی معنی نمودند - اعلیحضرت روز پنجم شبه مراجعت بتدن خواهند نمود -

§ (راس مقان) سفیر فوق‌الماده حبش مراجعت بتدن نمود -

§ اعلیحضرت پادشاه (رومانیا) برای اینکه با اعلیحضرت امپراطور اطریش ملاقات نماید وارد (ایسپل) شده اند § جنرال (مابر) سردار بوئرا از جانب اعلیحضرت (ادورد هفتم) دعوت نمودند که در جشن تاجگذاری شرکت نماید - مشارالیه در جواب عرض نموده که بسیار خوش وقت بود که درین جشن بزرگ حاضر باشم ولی اطبایش چنان مجبوز نموده اند که سیر بلاد اروپا را بمقامهای معین به نماید

§ در (جو هالسبرک) انتظام مینمایند که انجمن مرتب شود قائم مقام انجمن دولتی که در هدم موجودکی اجزای انجمن دولتی در همه امور مفید طامه مقتدر بر کارروائی باشند

(چهارم - آگست)

§ نامه نکار روزنامه (طمس) از (جو هالس برک) تلگراف نموده که بعضی از اداره‌های تجارتی با اقتدار و سرمایه - قصد نموده‌اند که مزدوران (چینا) را بسبب کمی مزدوران بومی در [ترسوال] آورند -

§ تهیه فرستادن زنانیکه می‌خواهند مهاجرت بافریقای جنوبی نمایند شده - و انتظام فرستادن دسته اول زنان که مشتمل بر پنجاه خدمتکار و شش حیاطه باشد بافریقای جنوبی نموده اند

§ نامه نکار (طمس) از (شنکهای) تلگراف نموده که ایالت (نکن) بالفاظ سخت مکتوبی بسفرای چهار دولت برای برداشتن قشون مستحفظ خود مسکه در (شنکهای) دارند مرقوم داشته - چینیان بیان مینمایند که سفرای دولتین انگلیس و فرانس و ژاپون عنوان مکتوب را تسلیم نموده فیصله امر را بوزرای دولت خود محول نموده اند -

§ قشون هندوستان که برای شرکت در جشن تاجگذاری در انگلستان رفته بعد از تفرج در ممالک انگلیسه مراجعت به (همتن تورت) نموده اند

§ مجددا در باقالت تشکیل اردو برای قشونیکه در جشن تاجگذاری آمده نموده‌اند ولی مثل اول اردوهای بزرگ تشکیل نیافته است - مردم دوباره بنای آذین بندی را گذارده و در دکانه و کوچه ها اطاقهای جوی بجهت تماشایان می‌سازند -

§ اعلیحضرت امپراطور آلمان به (ریوال) رفته در آنجا ملاحظه‌سان و مشق جهازات جنکی و قشون متحده بحری و بری دولتین آلمان و روس را خواهند نمود - (سکونت وان بیولو) در رکاب اعلیحضرت امپراطور آلمان موجود است

§ قبل از روانگی به اروپا (جنرال بوتها) و (جنرال دلیری) و (جنرال دیوت) سرداران بوئر مکتوبی بدین عنوان شایع نموده که در مجلس شورای بوئر در (وری شک) که ماه می گذشته انعقاد شد افسران بوئر سرداران مذکورالفوق را تعیین نموده‌اند که از برای اطانت بیوکان و بتیانیکه بسبب جنک جدید محتاج شده‌اند وجه اطاه جمع آوری نمایند - و اهالی وطن هزرت خود را سفارشی نموده اند که در وطن مقیدین قیام پذیرفته امیدوار فضل خداوند بسیار زیاد و تعالی باشند -

(پنجم - آگست)

§ اعلیحضرت (ادورد هفتم) در دیروز بدون معاونت دیگری ازبلیه جهاز بالای سطح دریا رفته بلز بزر آمدند علیا حضرت ملکه (یوزفی) امپراطریس آلمان با اعلیحضرت و علیا حضرت پادشاه و ملکه انگلستان ملاقات نمودند

§ (اید جوی) امیرالبحر برای دولت ژاپون بر حضور

بجهاز اعلیحضرت (آورده هفتم) یافت

§ ششصد نفر از جماعت (شان) قصبة (موانك بری) را قبضه نموده بیست نفر از افسران دولت سیام را بقتل رسانیده و اینك آذوقه فراهم آورده قورخانه تدارك مینمایند . هفت نفر اروپائیان در آنجا مقیم میباشند و دوهزار قهون برای دفع غلیم فرستاده شده است

§ اعلیحضرت (ادورد هفتم) هفتة آینده رامین نموده اند که از قصر (بکنگهم) تماشای سان و شق قشون مند را نمایند . در یازدهم ماه جاری اردوی قهون هندی از (همان کورت) روانة هندوستان خواهد کردید

§ (لارد کران بورن) در دارالعمورای ملی اظهار داهت که با اداره های تجارتي و جغائیکه تجارت چین را دارند مشوره شده یاره از معاهدات که با دولت چین قرار داده موضوع بحث گردیده است

§ (مستر آرنالداستر) در نطق خود درباره جهازات جنگی بیان نمود که حکومت ضمانت اجنبیان را نموده و بر اجانب اعتماد نکرده است بلکه فقط همان جهازات را اعانت نموده که بکلی در اختیار حکومت اند

§ (سر ادورد هرسلت) وفات یافت

§ در (سدن - استرلیا) رسماً تفتیش در باره ازدحام مسافرن در جهاز (درین گرنج) میشود
 § برجهاز (بری تانیک) که از بندر (دربن - ترنسوال) وارد بندر (ولنگتن - استرلیا) شده پنجاه نفر مریض که سه نفر از آنها هلاک گشته اند موجود بوده درین جهاز نیز جمعیت مسافرن بیش است (ششم - آگست)

§ امروز اعلیحضرت (ادورد هفتم) برکالسکا کشاده شهر لندن را سکودش نموده بقصر خود تشریف خواهند برد

§ اعلیحضرت (امانیول) بادشاه ایتالی (۱۰۰۰۰۰) لایر بدفتر اطانة تصیر ستون (کامپانابل) اعطا فرمود
 § امیرالبحر (سر ادورد سیمور) در خطی که بروزنامه (طمس) نوشته اظهار داشته است که وی با دوست هزیز خود (لپوکرتی) موافقت رأی دارد که زمان بازطلیدن قشون از شنگهای رسیده . چه تصرف

آن غیر استقلالی بوده است

§ امسال کویا طغیانی رود نیل از همه سال کتر باشد
 § دیروز (مستر جبراین) در مجلس شورای اداره مستعمرات صدر بود و در باره (کنتراکت) بری و بحری بحث شد و به نسبت حق (کنتراسکت) مستعمرات سخن بطول انجامید . و نیز درباره تخفیف نرخ پست روزنامهها و کتابچه ها در فرستادن بافریقای جنوبی بحث در میان بود

§ (مستر کروکر) رئیس سابق امارت جمهری (ترنسوال) با (مستر استان) رئیس سابق امارت جمهری (آرنج) در مقام (شوی) سخن ملاقات کرده معانقه شوقانه نموده شفای عاجل مستر استان را از خداوند خواست . داکتران نگذاشتند که ملاقات از در دقیقه پیش طول بکشد

§ اعلیحضرت امپراطور آلمان و اعلیحضرت امپراطور روس در بندر (رول) با یکدیگر ملاقات و در کمال شغقت صدقانه هر یک مر دیگری را سلام دادند

§ (لارد کرن بورن) در نطقی که در باره خساره لشکر کشی چین داده اظهار داشت که دولت انگلیس از دول خارجه درخواست تخفیف وجه خساره و تخلیه (شنگهای) را نموده ولی ممکن نیست که دولت انگلیس نپرد آ تخلیه نماید . سلوک دولت انگلیس با چین همه جبهه سلوک دوست کامل الوداد است - و در باره معاهده خفیه که با دولت آلمان در خصوص تقسیم مستعمرات (دولت برتیکیس) در آفریقا بیان کرد - که اگر این چنین معاهده هم شده باشد معاهده محرمانه است و او بدین سبب شرایط را نمیتواند ظاهر نمود - ولی این قدر میتواند گفت که با جمیع دول اروپا و با جمیع دولیکه با انگلیس متفق اند موافقت داریم

§ (مستر جبراین) با (لارد ملنر) مرسله در باره مرافات اهالی هند که در (ترالسوال) و (آرنج) هجرت کرده - نموده است

(هفتم - آگست)

اعلیحضرت (ادورد هفتم) تماشای مشق مستعمرات را دوازدهم و قشون هندوستان را سیزدهم ماه جاری خواهند فرمود . ماهوای افسران اعلی نقطه (ایجوین)

امیرالبحر ژاپون حین ورود اعلیحضرت در بندرگاه (پورنس مونته) بار حضور یافت و با اعلیحضرت اورا معرفی نمودند

§ موجودکی جہازات جنکی ژاپون در (اسطهد) بواسطه مدارات باصوم دول انتظام شده و علامت التفات مخصوص بجانب قوم ژاپونی پنداشته اند

در روز در (وست منسٹرابی) بعض از رسوم تاجگذاری ادا شد . (پیرز - اعضاء دارالشورای دولتی) وزواجشان ملبس بلباسهای مکمل درباری و قیسیان کلاه های فاخر پوشیده جاؤشان نیز لباسهای نیکو در برداشتند تقلید - اعلیحضرت و علیا حضرت پادشاه و ملکه را نیز در آورده بودند یعنی شبیه

§ اعلیحضرت (ادورد هفتم) را از مراجعت بلندن هیچ سکوته خستکی و زحمت روی نداده و شب را با تراحت تمام صبح نمودند - صحت اعلیحضرت حسب دلتخواه و جراحت بکلی التیام یافته است

§ شاهزادگان و لیمهد آن دولتین یونان و (دنمارک) و (کراند دیوک آف هسی) و دیگر شاهزادگان و خویشاوندان اعلیحضرت و علیاحضرت وارد لندن شدند -

§ اعلیحضرت (ویلم) امپراطور آلمان نشان عقاب سیاه به (کونت لئسدارف) اعطا نمودند -

§ اعلیحضرت [ادورد هفتم] و علیاحضرت ملکه امروز مراجعت بلندن نمودند - چون وارد بندر (پورنس مونته) شدند تمام جہازات جنکی انگلیس و جہاز جنکی ژاپون سلام نظامی بشلیک اتواب دادند اعلیحضرت پادشاه و علیاحضرت ملکه بساعت پنج و نیم عصر وارد موقف راه آهن (وکتوریا) گردیده سوار بر کالسکه کشاده شده تفرج کنان بقصر (بکنکهم بالس) رفتند - هوا صاف نبود و باران اندک اندک میبارید ولی از وقت سوار شدن بر کالسکه تا زمانیکه بقصر رسیدند باران موقوف بود - مجمع کثیری در موقف راه آهن و درین راه ارحام داشتند همه اظهار فرح و شادمانی می نمودند و باواز بلند شکر صحت و مبارکباد میگفتند - پس از آنکه اعلیحضرت با علیاحضرت ملکه داخل قصر شدند اهالی چندین بار اشعار قومی را باواز بلند سرودند - اعلیحضرت از بندر راه تا بموقف راه آهن که سوار بکالسکه بخاری شدند

و از کالسکه بخاری فرود آمدند تا بکالسکه خود پیاده باسانی راه رفتند

(هفتم - آگوست)

§ شاهزاده [هنری] ولیمهد دولت آلمان وارد لندن شد - انتظامات جشن تاجگذاری تکمیل یافت تاج و بعضی از ائانه سلطنتی بمراسم دسته قهرمان [هوس هدکاروس] به کلیسای [وست منسٹرابی] فرستاده شد - آخرین مراسم جشن با لباس های خاصه امروز عصر تکمیل خواهد یافت

§ امروز اعلیحضرت [ادورد هفتم] در باری خاص در قصر [بکنکهم] نمودند انعام و نغائهای عدیده اعزازی بمستحقین اعطا فرمودند و (کاکو کیرو) رئیس (یوکندا) پذیرائی شد و بیعکشیهای اورا قبول فرمودند - و نیز (راس مقان) سفیر فوق العاده حبش پذیرائی شد و نغان [سنت مایکل] و سنت جارج باو اعطا گردید -

§ امروز لارد [جارج هملتن] وزیرهند در اداره خود پذیرائی و میهمانی نموده - جمیع افسران اروپائی و بومی قشون هندوستان را دعوت کرده بود

§ امروز شریف لندن امرای هندوستان و وزرای مستعمرات را برای صرف نهار میهمانی نمود -

(نهم - آگوست)

§ چهل و یک شلیک توپ از قلعه لندن و وست و یک شلیک از (هائیدپارک) اهالی لندن را در وقت طلوع آفتاب بیدار نمود و گویا خبر داد که امروز جشن تاجگذاری است - مردم در رهگذرها بواسطه تماشای جلوس ملوکانه شب را زنده داشتند - هوا صاف و حسب دلتخواه بود

§ اعلیحضرت (ادورد هفتم) میمات و مبارکی بساعت دوازده و چهل دقیقه از دسته کذفته تاج بر سر نهادند -

§ روزنامه (بتلیت بلو) از (بریسل) خبر میدد که جنرال سابق بوئر (لیوکس مایر) بمرض جناب ترهنگ زندگانی گفت

§ دو نفر افسران ژاپون وارد بندر (مدرن) گردیده تا درباره تجارته ژاپون و کتب اطلاعات حاصل نموده بدولت خود اخبار دهند

داستان روسیا

(از شماره ۲۸)

پس از روزکاری سر بر آورده و گفت سخفهای تو همه راست و درست است - اما من آرام نمیگیرم زیرا تو نیز روسیان را خوب میشناسی همینکه کارها شان بخوبی پیشرفت نماید چندان کاوش در نژاد فرمانفرمای خود نمی نمایند - و پس از آنکه پادشاه شان دلاور و استوار باشد جز فرمان برداری شیوه ندارند - چنانچه گذارش (منچیکوف) و برن و مونیچ کجروشان و ناراستکاران در میدامست و اما من بر آن که پیوسته با ماد و راستی فرمان رانده و با مردم به نرمی راه رفته و هیچکس را از خود دلگیر ننمایم - شورش که شما کان نموده اید بیست کویا فراموش نموده اید که همواره شورش در روزکاری بر پا بود که امپراتور کودک و کار در دست پیشکار بوده - امروز اگر کار کشور در دست توانائی بود شایسته بود که هیچ شورش بکان نیاورید میدانم تو از برای پسر دلسوزی مینائی اما نمی بینی که امروزه در دست پدری که رفتارست که او را به پسر خود پذیرفتن نمیخواهد - پس اگر او را در آغوش مادر مهربانی بسیاری بهتر نیست - هوس من بر امپراتوری از بسیاری مهریست که به پسر خود دارم - و در نگاه داری او کسانیکه مانند تو بمن یاری نمایند بسرافرازشیکه آرزو دارند رسانیده و به آنان مهربانها خواهم نمود - و از برای بدست آوردن آنچه در خور سپاس یارالست کوشش و همراهی تو را بس میدانم - و سخن را انجام داد اما (بانین) بدین سخن آرام نشده و گفتگو به دراز کشیده و انجمن بر هم خورد پدیدار بود که (بانین) آرزوش آلت که کودک را به پادشاهی برداشته تا خود دستور شود کترینه هم سر بسته چنانکه مایه رشک دیگران نکردد بدو رساند که پادشاه مدستی یاران خود را سرفرازی خواهم بخشید و هم در پنهان با او پیمان نمود که او را بدستوری بردارد و از آنسو چون (بانین) را چون واشقوف دختر کوچک (ورنجیوف) به همراهی (کترینه) خوانده و او پذیرفته بود پس (بانین) هم دلبستی خود را به او بروز داده خواهش مخوابی نموده و او انکار نموده بود پس از بر هم خوردن این انجمن (واشقوف) دید

مخواش آن خواهش و هوا پرست تن در ندهد او کردن پادشاهی (کترینه) هم نخواهد نمود - بار دیگر که دیدار نمودند خواهش او را پذیرفته و دل او را بدست آورد آن گمراه هم پادشاهی (کترینه) کردن نهاد پس هرگونه دودلی از میان بر خاسته و همگی در پیش رفت کار همدست و همدل شدند و زر برای همراهی کردن سپاهیان در کار بود از فرستاده فرانسه درخواست زر نمودند - او اندکی در دادن ایستادگی بروز داد (کترینه) چاره دیگر اندیشیده از یکی از بازرگانان انگریز پنهانی صد هزار منات و ام گرفته - در آن هنگام بر تلواسه و تلاش جان خراش (کترینه) فزایش روی داد - چونکه از کارهای زشتی که پیوسته پیشه او بود سندی در شکم داشت و در زائیدن او را بی تاب نمود در پنهانی زائید شوهرش آگاه شده از برای آنکه بچشم خود دیده پس ازان کردار زشت او را بگردمان بنماید ناگهانی پسرای او آمد اما (کترینه) از زائیدن فراغت یافته و کودک را پنهان و چیزی در میدان نمایان نبود - امپراتور کان کرد که به او بهتان زده اند برکت با همه اینها باز در رها نمودن او يك دل بود و چنان اندیشیده بود که پس از آماده نمودن سازو برك اردوئی که میخواست بحر (دانمارك) روانه کند يك روز بیشتر از روانه شدن خودش بروم برائیکه زنت نشیمن دارد بنام دیدن او و ویرا گرفته در بند نموده و از زینت خودش بیرون کند - و از آلتو با آنکه در آمادگی دستگاه شورش کوشش نموده آماده میشدند اما هنوز اندیشه آنکه بکار بردازند داشتند (کترینه) از آغاز از همه آنانکه بفرام نمودن دستگاه شورش میگوشتند بیشتر با پنهانی رفتار مینمود زیرا در چنین کارها هرکس تا کزیر از کاوش و کوشش است - پس یاران هوادار او از همگی کارهای امپراتور آگاه بودند اما امپراتور از روی خود بینی در این پندار نبود و بخوش گذرانی میپرداخت - و برخی از خبرخواهان و نزدیکانش که یکی از آنان فرستاده پروسیا بود از روش و کردار برخی بدکان شد و چند بار امپراتور را یادآوری نموده و آگاهی داد اما او بخود نیامده در انجام پا-بخ داد که من از این سخنان بستوه آمده و رنجیده شدم دیگر از این در سخن مرانید و از شنیدن هر گذارش خود را آسوده داشته - و بساز

رفتن (داتیارک) میرداخت از برای آنکه چند روز به آسودی کامرانی نماید - پس از آن بسوی داتیارک ره سپار آید دختر (و رنجوق) را با گروهی زنان دیگر برداشته بسیر گاهی که در بیرون شهر بود رفت - یاران (کترینه) که چنین روزی را از خدامیخواستند از برای برانگیختن تلاتوف - شورش و غوغا نیکی و هنکامی جسته بکار بردن نیرنگ پرداختند و در میان مردم پهن نمودند امپراتور زنانرا که همراه برده میخواستند آنانرا از شوهران خود جدا نماید - و به برخی از نزدیکان خود بدهد و برخی بد نامهای دیگر به او بستند و از اینگونه سخنان شورش انگیز خود داری نمی نمودند و برخی سخنان یاهو بدهنها انداختند در اینکار از همه بیشتر (واشقوف) کوشش مینمود و از بسکه بد دل و هراسان بود در پی کسانی که همراه او بودند جاسوس گاشته بوده که به پند کجا میروند و چه میکنند و به او آگاهی بدهند - این دور اندیشی او مایه آن شد که تا چار زود دست بکار شدند و آن این بود که یکی از بزرگ پاسبان شهر (مدیر ضابطه) با برخی از فرمان گذاران خود این راز را بیان آورده بوده یکی از آنان بجان آنکه همی سرکردگان برین راز آگاهند هنگامیکه هب درآمد از یکی از سرکردگان خود جويا شد آیا چه روز بر امپراتور خواهیم شورید و او را از تخت بزیر خواهیم آورد سرکرده هاندم فرمان به بند نمودن او داد و جاسوسیکه در آنجا بود هاندم به (واشقوف) آگاهی داد و او نیز بیجا یکی در همان تیره شب بسیاران خود آگاهی داده که راز پنهان آشکارا کردید - و کار از برده برون افتاده و همی را بر آن داشت آغاز بکار نمایند پس هاندم سه پسران (اولوف) نام را خواسته یکی فرستادند از پی کترینه تا در هر کجا هست پیدا نموده و به سر بازخانه به برد - و دو برادر دیگرش را فرستادند سر بازخانه که از برای آمدن (کترینه) سپاهیان را آماده نماید و به همراهی نمودن و ادارند اما (کترینه) از بیم و هراسیکه داشت در خود سرای آسوده زیستن نمیتوانست در کنار بانچه سرای در لب رودنوا (رودنوا) از میان مسکو برخواسته و از دو بروی بتوسبورک گذشته به دریای بالیک میریزد (کوشکی ساخته و از برای خود آرامگاه بریده بود و یک (کرو که سنک

بوده باشد - کژکوچک) در آنجا آماده داشت که اگر چیزی رو دهد بدو نشسته و بسوی اسویچ بگریزد که ناگاه در نیمه شب (اولوف) در آمده و آگاهی داد که باید رفت و آغاز بکار نمود - هاندم برخاسته بگردونه که آماده ایستاده بوه نشسته و هنگام دمیدن آفتاب به پیشگاه سرباز خانه ~~سکه~~ یاران او سپاه را از برای پذیرفتن او آماده داشته بودند رسید و کسانی که چشم در راه او بودند همینکه از دور دیدند که (کترینه) میرسد بزودی می تن سالدات از برای پذیرائی آماده کردن توانستند سالداتها از سر بازخانه بیرون ناخته آیین پذیرائی و پیمان را بجا آوردند - اما کترینه همینکه دید پیش از می نقر سالدات به پذیرائی آماده نشدند بتلاش وترس دوچار شد و گفت شب امپراتور مرا با پسر میخواست بکشد ما هزار گونه سختی و دشواری خود را بدیجا رسانیدم (باقی دارد)

شمه از حالات تاریخی مسلمانان مجمع الجزائر
(عطف باسابق)

§ در اواخر مایه هزار و چهارصد میلادی مولانا ملک ابراهیم در اشاعه این اسلام سعی شد و درین بار داعیان دین مقدس اسلام نهایت کام روا گردیدند مولانا ملک ابراهیم نسب خود را بحضرت امام زین العابدین علی ابن الحسین علیه السلام نسبت میداد - و از جانب مادر همه زاده راجه (جرمان) بود مولانای مزبور با بعضی از اسلامیان دیگر در مشرق ساحل جاوه در نزدیک (کریسک) در مقابل جزیره (مدورا) سکونت اختیار نموده شروع در دعوت اسلام کرد در زمانه قلیل گروهی از معتقدین کرد وی پره زده قوتی بسزا یافت -

در آن ایام راجه (جرمان) که نسبت همه زادگی بمولانا ملک ابراهیم داشت نزد مولانا آمده خواهش کرد که مولانا با او اتفاق کرده بادشاه (مجاپات) را مسلمان نمایند برای دوام و قوام این اتفاق دختر خود را نیز به نکاح او در آورد (جرمان) معلوم نیست در چه جای واقع است مورخین فرانسه از مضامین هند میدانشند باری راجه (جرمان) بمشوره مولانا ملک ابراهیم یکی از پسران خود را باسم سفارت نزد بادشاه (مجاپات) فرستاده خود مشغول ساختن مسجد شد

و گروه گروه مردم را مسلمان مینمود عاقبت راجگان
 موسوف با یتدیگر ملاقی شده قبل از آنکه راجه [جرمان]
 بر مقاصد خود نائل شود در اردوی او مرض هیضه بدیدار
 شده دختر تازه هروس او با پنج پسر دیگر که درین سفر
 با او معیت داشتند این جهان فانی را وداع گفتند. علاوه
 بر این بسیاری از همراهان دیگر او نیز تلف گردیده ناچار
 بدارالسلطنه خود معاودت کرد. آن بلای ناکهانی
 دل راجه [مجاپات] را که اندکی مائل باسلام نموده
 بود از اسلام گردانید و از قبول دین مقدس سر باز
 زد و به بعضی مشاورین خود اظهار داشت که اگر
 مذهب اسلام حق بودی از چه روی پروان خود را
 ازین بلای ناکهانی محفوظ نداشتی. درین امر مسلمانان
 کامیاب نگردیده. مولانا ملک ابراهیم در همان مقام
 اولیه سکونت اختیار کرد و قبور اقربا و هم مذهبیان
 خود را حفظ مینمود بیست و یکسال بعد در سنه
 (۱۴۱۹) میلادی مولانا رحلت نمود و در شهر (کریسک)
 مدفون گردید و مولانا در کتب تواریخ جاوه اولین
 اولیای اسلام بوده و تاکنون هزاران مرحوم را در
 کمال عظمت و احترام زیارتگاه قرار داده اند

قبل از رحلت مولانا ملک ابراهیم یکی از مسلمانان
 چیناوی بعیت سفیر چین بحقیقت ترجمانی سنه (۱۴۱۳)
 میلادی به جاوه آمد. در سیاحت نامه سواحل
 (سمندر) حالات اسلامیان را بدین قسم اظهار مینماید که
 جزیره (جاوه) آباد از سه قسم مردم است

اول مسلمانان که از مغرب آمده سکونت اختیار
 نموده اند لباس آنها محمه و غذایشان پاکیزه است
 دوم مردم چین اند که از ملک خود فرار کرده
 درین جزیره سکونت کرده و اکثر آنها نیز دین
 اسلام قبول نموده اند اطعمه و اشربه آنها نیز صاف
 و پاکیزه است

سوم باشند که اصل این جزیره که نهایت
 بد صورت و بد آداب اند حق شاه بر سر نمیزند
 یا برهنه راه میروند ارواح خبیثه و بها را پرستش
 مینمایند. (باقی دارد)

◀ کرمان ▶

نام نیکار یکی از اخبارات انگلیسی از کرمان مینکارد
 که در روزان و مشق قفون ساخو کرمان نماینده دولت

انگلیس را حکومت با احترام تمام پذیرائی نمود. و چون
 مشارالیه تعریف تعلیم و مشق قشون موجوده را کرد حاکم
 معلمشان را العلم داد. نماینده انگلیسی و همراهش
 بسیار تعریف تویدی های ایرانی را نمودند

◀ بحرین و دولت روس ▶

جزیره بحرین ملک خاص ایران است بواسطه
 سنی و گذشت ایرانیان چندینست دولت انگلیس بعضی
 تصرفات مالکانه دران جزیره می نماید

بموجب تلگراف مخبر (روتر) اینک دولت روس
 در فکر خریداری او افتاده. این جزیره واقع در خلیج
 فارس میباشد و امور جغرافیای او را چندی قبل در
 روزنامه مقدس نوشتم. جمعیت آن قریب بچهل هزار
 نفر است طول جزیره ۳۴ و عرض آن ده میل است و
 (منامه) که دارالحکومه این جزائر است بندر معتبری
 دارد. مروارید این جزیره و جزایری که در نواحی آن
 واقع شده مشهور است و در موسم غواص از (۱۰۰۰) الی
 (۲۰۰۰) کشتی که از هشت الی بیست نفر را حامل است
 در غوص صدف مشغول مینمایند. تخمینه مروارید یک
 ساله که ازین جزیره اخراج میشود بالغ [۳۰۰۰۰۰]
 لیر است. باشندگان مجمع الجزایر بحرین طالب هر بند
 روز نامجات انگلیسی چنین تصور کرده اند که این
 جزیره در تحت حمایت و رعایت دولت انگلیس است.
 ولی عقیده ما این است که بحرین در خریطه ایران و
 دولت ایران را حق همه گونه تصرف در او هست

ظاهرا این خبر بدون اصلیت باشد که دولت
 روس مصمم در خریداری بعضی از اراضی آن جزیره
 شده است.

◀ ترقی روابط پست جده و هندوستان ▶

حکومت هند انتظام نموده که تمام اموال ضمانتی
 و سفارشی هند را به جده برسانند و انتظام این امر
 بنوع اکل شده است. البته برای حجاج این امر اسباب
 سهولت است که اشیاء مرسوله شان قبل از وقت در جده
 موجود ماند. و در این سفر پرخطر طویل ضرورت
 به حمل نقدینه و اشیاء دیگر در معیت خود نداشته بشود
 و از جمله خطرات ایمن کردند. از این انتظام جدید
 پست جمله حجاج بلکه طامه مسلمانان مسرور اند
 ازین بعد ممکن است حاج هندی قفقز راه راه آبی

همراه گرفته الی جده سفر نمایند و در جده رسیده مال و نقدین خود را وصول کنند و این عمل را حکومت هند خاصه برای حجاج نموده است - بموجب اعلان مستر (سی ایچ هرین) رئیس کل پستخانجات پنجاب و غیره مبلغی که پست میتواند قبول نموده بجده برساند (۱۸۰۰) رویه میباشد

مکتوب از انزلی

اگرچه جبل‌المتین از دخول به خاک وطن پاک ممنوع و از زیارت آن محرومیم - ولی چون سائر برادران و محبین وطن و آنیکه فوق سلیم در خواندن آن نامه مقدس دارند در خارجه آن مقدس نامه را همه هفته زیارت میکنند لذا ماراست در مواقع مناسبه حالیکه قابل اندراج روزنامه و نفع آن باید بدولت و ملت است اطلاع دهیم - تا هموطنان خارجه‌مان از وضع عمل با اطلاع باشند تقدماً ذوق نوشتن از ما و لذت خواندن از آنها است

(تا یار کرا خواهد و میاش بکه باشد)

سال اقدم حاجی شیخ عبدالحسین اشرف الواعظین طهرانی انزلی بالای ملبر مردم را وصیت بمطالعه جریده مقدس میکرد و هماره میکفت مطالعه آن را بوجه مسلمین خاصه بر ایرانیان لازم است از تاثیر کلمات جبل‌المتین بملک و ملت مقاله‌ها بیان - و مردم را در کسب اطلاعات تشویق مینمود

امسال نیز جناب مستطاب آقا شیخ محمد واعظ رشتی در تکایا و مجالس مسموع شد از نامه مقدس هجت میکند کفتم شنیدن مانند دیدن نباشد - لازم است خود را یکی از مستمعین مجلسشان ساختن نطق را که درباره جبل‌المتین میکند ابراد نموده به اداره مقدس فرستم تا درج در روزنامه کنند برعلیان ظاهر گردد که هواداران آزمدیر روشن ضمیر بسیار و ماملت ایرانیه خدمات و زحمات نامه مقدس را فراموش نکرده و احسان فراموش نیستیم در خانه عمده التجار آقا معهدی غلام علی برسم همه ساله مجلس روضه خوانی خامس آل عباسید مظلومان ابی عبدالله الحسین علیه سلام برپا بود بعد از آنیکه روضه خوانها هر یک روضه خود را خوانده و نوبت باین شخص محترم رسید برهرشته ملبر صعود نموده اول و هله چند اشعار وطنیه بسیار متین

بآهنگ خوش فرو خوانده و معنی کرده و از آنجا بمقاله دیگر و از دیگر بدیگر میخرد خلق را موصظه میکرد تا رسید بمقامی که نکته احتیاج است احتیاج احتیاج

از آن بعد فرمود ای هموطنان عزیز تاکی باید محتاج اجانب باشیم و چرا خود ما را از قید احتیاج نه رهایم مگر نه روزنامه مقدس ده سال زحمت کشیده محنت غربت و سکونت را مدیر محترم بخود هموار کرده مقاله‌ها در اثرات کبابی یعنی شرکت و انجمنه روزنامه درج کرده ناله نموده فریادها کرد تا طاقت آور خود را بخشیده شرکت اسلامی در اصفهان تأسیس یافت در تمام ایران اقمشته آن شرکت به قیمت مناسب بفروش میرسد و صوم ملت با کمال میل بجان خریدارند چه اولی جلسش خوب و ارزان و مناسب و باب ارباب کسب است همه خریدار اویند مگر رشت و کیلان که چندان ملتفت نشده و چنانچه باید و شاید توجه نکرده مگر قلیلی از خواص مثلاً فلان جهت رشت تمام لباسش از اقمشته شرکت اسلامی اصفهان است و هماره مردم را تشویق و تحریص در خریدن آن متاع پاتیزه وطن مینماید - ای اهالی انزلی و کیلان ای علمای ذوی العزت والاحترام شماها را متذکر میفوم که آن آزاد مرد عالی مقام مدیر جبل‌المتین خیلی زحمات بخود هموار کرده از برکت مقالات او در روزنامه مقدس و خلق را توصیه در اتحاد نمودن بود که طاقت سبب شد شرکت اسلامی اصفهان و سایر شرکت‌های جدید را

عمده مقصود آن آزاد مرد این بود سکه ملت از احتیاج بخارجه برهند - هممه و کفن و غیره مان از مسوجات نجس نباشد - بیاید شماها را بحقیقت اسلامیت قسم میدهم وضع و سلیقه را تغییر داده از اجناس شرکت اسلامی که در رشت هم شعبه او موجود است و بانزلی نیز متاع او آمده و خواهد آمد خریداری کنید تا کم این شرکت وسعت پیدا کرده - ترقی فوق العاده نموده آنچه را شماها به پسندید از دستگاه بیرون تواند آورد و باسلیقه شماها توام تواند کرد تا هم برادران دینی شما در آن اداره مستخدم شوند و امر معاششان از آن عمر بگذرد و هم بیکاران وطن از تأسیس شرکتها

بارندگی

§ یوم هبة گذشته باران شدیدی بارید و دوسه مقام برق افتاد و در بعضی عمارات که با دزن برق بود آتش گرفت - در محکمه مولوی عبدالرحیم حاکم عدالت پلیس با دزن برق از شدت باران خود بخود آتش گرفت - حاکم و محکوم و وکلا و سائر ملجأت و تماشاگران از خوف بیرون دویده بعد از اندکی آتش فرو لغت در قراولخانه (پارک استریت) دو مرتبه برق افتاد و حصه از عمارت را خراب کرد ولی بکسی صدمه نرسید - در مدرسه (سنت جوزف) در (بهبازار) برق بر ستون پیرزی عمارت زده صدمه بستون رسیده تمام با دزن هلی برق مدرسه خود بخود روشن و با وجود اینکه بالغ بر هفتصد نفر طلاب در مدرسه میخواندند بکسی ازیت وارد نیامد در (کریک رو) از شدت باران چند خانه های خشبی خراب شده صرف دست پیرزی از افتادن ستون چوبی شکست است

راه آهن حجاز

§ اخبار نمرات الفنون می نویسد - تا ۲۵ جون وجوهات اطمانه که به بوقت راه آهن حجاز رسیده پنجاه و پنج ملیون هفتصد هزار (بیاستر) بوده که بسکه انگلیسی چهار ملیون ششصد هزار لیرا معادل سکه هند شصت و نه ملیون روپیه میباشد حق این است که اهالی رهند بسیار کم ازین فیض عام حصه گرفته اند

بوشهر

§ روز ناچات انگلیسی می نویسد - از زمانیکه در شیراز حکومت تازه وارد شده ارزانی غله و دیگر اجناس روپداده و همه قسم ارزاق ارزان و فراوان گردیده است با این همه بزرگان و عمائد مقتدر و سر بر آوردگان شهر بلیات و قابلیت حکومت حایه عالی نمیانند - ولی محض آنکه حکومت سابق مجدداً عودت بفریاز کند همراهی باو مینمایند

مستر بانور صدر اعظم نازه انگلستان

§ (رائت آربل) مستر آرثر جیس بالفور ایل دی (همشیره زاده وزیر اعظم انگلستان) لاردر سالنبری است در سنه (۱۸۴۸) متولد شده در (این) (ترنتی کالج) تعلیم حاصل نمود و در سنه

قائده بر سر ترک پیگیری و تملی نایبند خلاصه نام این بنده هیچ نیرتونده را آن قدر نیست که کاملاً از راه کلاک و فرمایشی آن واعظ محترم بر آیم - همین قدر مختصری از فرمایشات وی را محض اطلاع جنابالی با داره نوشتم که آگاه باشند که ولو جبلالتین از دخول بدسلطه مملکت ممنوع است ولی آن یوسف هندی را هواداران و هواخواهان بسیار است طاقت جناب آقا شیخ محمد بعد از تصید و مقدمه اقموس از تعطیل روزنامه مقدس ببران نموده این بیت را فرو خواند

(هر صیب که سلطان به پسندد هتر است)

کنایه از صلاح مملکت خویش خسروان دانند اول دماقی که کرد در باره سرکار حلبی زین العابدین آقا تقی اف بود که معاون حقیقی معارف اسلامی خاصه روزنامه مقدس اند که خدایش از عین الحوادث محفوظ دارند - آنوقت روضه خود را خوانده ختم مجلس نمود

ایضاً

حالا ورود و حرکت موبک فرخنده کوکب بندگن اعلی حضرت اقدس شهرباری ارواحنا فداه را از طریق بندر انزلی عرض نموده که بزرگان و همایند و تجار و علماء انزلی مرید بمراتب شتون خود مورد الطاف شاهانه گشته دارای لقب و انعام و خلعت و انکسرت و عصای مرصع و غیره شدند - چون سیورسات اردوی هاپونی را جناب امیر آرم حکمران کیلان که تازه در ورود اعلی حضرت اقدس شهرباری به لقب نیل سردار معظم مباهی شده اند از باد کوبه بتوسط جناب آقا محمد یزدی وکیل التجار تدارک ننموده وارد انزلی گردند جناب وکیل التجار به نکارنده سپرده که در ورود اردوی هاپونی سیورسات و علیق اردو را به ترتیب که معین است بر رئیس اسطبل داده شود بنده نیز بدستور المصلی که داشتم عطف صکرده همچنین در مراجعت اردو از استرا مجدداً علیق و غیره داده شد و برای این خدمت که از این بنده ناهمی بسمل آمد بندگان سردار معظم حکمران کیلان محض خوشنودی وکیل التجار یکطلقه شال بافتنار این بنده هیچ مرجعت فرمودند و آنچه بعرضه یقین رسیده در مراجعت موبک هاپونی از فرنگستان بلز هم بنده بر افراوش نخواهند فرمود (البوده)

(۱۸۷۲) سند درجه علمی (ام - ای) را حاصل کرد - در سنه (۱۸۷۴) از جانب دولت (هرتفور کوئتی) پارلمان منتخب گردید و تا سنه (۱۸۸۰) در همین حلقه قائم مقام بود در زمانی سکه لارد سالسبری بمسئول وزارت خارجه ممتاز بود زیر دست ایشان و (لارد بیکنسفیلد) خدمت می نمود در سنه (۱۸۸۰) در پاریس رفته و در سنه (۱۸۸۵) رئیس اداره حکومت بلجیه مقرر گردید در سنه (۱۸۹۱) از دارالعلوم (کبرج) به خطاب (ال - ال - دی) مفتخر آمد و در دارالعلوم ادنبرا (لارد راکتر) معین شد و در همین سال بعد از وفات (مستر اسمتیه) زیر خزانه و رئیس دارالعلوم ملی مقرر گردید در همین عهده [سنه (۱۸۹۷) باقی بود که صدر اعظم انگلستان شد مشارالیه خیلی شوق ورزش جسمانی دارد مصنف دو سه تصانیف فلسفیه که بسیار مشهور است میباشد در تقریر و تخریر فی زمانه بی عدیل است

◀ دولتین فرانس و سیام ▶

از آن وقتیکه دولت فرانس [اند و جانیز امپار] را قائم نموده هماره هم خود را مصروف بر این داشته که حقوق [سیام] را باطل نماید - بهانه که امروزه فرانس دارند این است که بطریق کامل حد بندی صحیح نشده دولت سیام را همیشه خواهش بر آن است که حل این عقده را بنماید و چون کار سخت شده امروز تمام توجه دولت سیام بدین جانب معطوف - یکی از وقایع نکاران طمس مینویسد که بالاساله قصد فرانس بر پیشقدمی میباشد - اگر فی الواقع مقصود فرانسویان همین یکی نکته باشد در سرحد بندی دقی روی نخواهد داد - ولی واقعات و حادثات ده ساله را چون مدنظر آریم ظاهرا میشود که در هر صورت زیادتی از فرانس شد و سلوك ظالمانه فرانس بر سیام بدرجه بود سکه هیچ دولت سکوارا نتواند کرد موضوع اختلاف دولتین مشارالیهما را حسب ذیل بیان می نمایند

(۱) - فرانس در وادی (میکانک) باسب تجارت اختیارات خود را توسعه میدهد (۲) فرانس را قصد بر این است که در دولت سیام آنچه ملازمین از خارجه لازم باشد از فرانس طلب شود - درین ماده دعوی دولت سیام این است که بموجب معاهده سنه (۱۸۹۳)

(چتاین) را باید دولت فرانس عالی نماید و فرانس ازین امر انکار دارد - علاوه بر این سیام را دعوی اراضی دیگر نیز هست که در آن درخت چوب (ساکوان) است - چون دولت سیام میداند که مقابله با فرانس نمیتواند کرد رضاداده که آن اراضیا بشرط آنکه دولت فرانس ازین به بعد دست اندازی بر ممالک او نه نماید واگذار کند - دولت سیام را خوف از آن است که اگر این قصبه و اراضی را بدولت فرانس واگذار نماید بجهت آینده فرانس بیشتر او را بستوه آورد - وطایقت پادشاه سیام محضوبه ملکه (مدیکاسکر) کرد

خوبست ماها حالت ممکنان را دیده از وضع امروزه سیام عبرت گیریم و همسایگان خودمان را زیاده بر این رسوخ ندهیم و بخیرخواهی بزازی آنها اعتماد نه بنام علاوه امری دیگر نیز پیش است که بنای فساد پنداشته اند در سنه (۱۸۹۳) حکام فرانس قرار بر این دادند که آنچه از رطایب سیام ولو تعلق قلبی در (میکانک) پیدا نماید رعیت فرانس محسوب باشند و این امر رفته رفته کسب اهمیت نموده بر قوت افزوده است دولت انگلیس تا حال در معاملات دولتین مشارالیهما دخل نداده ولی حالات موجوده را مقتضی آن دیده که دست اندازی نموده میانجیگری کرده تصفیه امور ما به النزاع را به نماید - دولت انگلیس رضا نتواند داد که فرانس را دولت و قدرت در ممالک شرق زیاد شود در سنه (۱۸۹۶) میانه دولتین فرانس و انگلیس معاهده شده سکه از آنرو دولت برطانیه را حق حاصل است که حفظ آزادی و استقلال دولت سیام را بنماید ولی ذکر می از سویمات شرقی سیام در این معاهده نیست - [لارد سالسبری] در تقریر خود بالفاظ پلتنی بیان نموده که بموجب معاهدات حفظ بقای سلطنت سیام بر ما فرض است و اگر دولت انگلیس در سنه (۱۸۹۶) درباره سویمات شرقی سخت گرفته بود این وقت اینگونه مشکلات رخ نمی نمود - در ساختن راه آهن (بنکاک) دولت فرانس بر سیام زیاده استیلا یافت تا هم انگلستان را موقع حاصل است که درین معامله دخل داده بانهایت استقلال مسائل ما به الزامها تصفیه نماید - ورنه آرزوی نزدیک رسد که از راه اجبار بجهت نمودن سیام رضا در هم - این مسئله را بارها نوشته ایم که هر دولت

موضوع و ثابت دول اروپا واقع شود لامحاله ثابت
نیایان خواهد کردید

پس ما راسته قبل از آنکه میدان تکاپوی رقبای فرنگ
واقع شده ایم مانند ژاپن حقیق حاصل نایم که شیران
شکاری فرنگ ما را شکار خود تصور نه بایند و شکاری دانند

مکتوب از طهران

§ مؤیدالاسلاما - اینک که از زیارت بیت الله فراغت
حاصل شده شرح مسافرت خود را عرض مینماید -
مختصراً بدانید - کسیکه از ایران خارج شده و این ممالک
متنوعه و امم مختلفه و عادات و السنه و اخلاق و
اینه متفاوته را ندیده است - کتاب معارف بسیار کم
اعتبار دارد - بین شلیدها نادیدها (تفاوت از زمین
تا آسمان است) اول کلمه که عرض میکنم و شاید بعضی
قبول نکنند این که از فرزه انزلی الی اسکة جدّه در
قلمرو چند پادشاه حرکت کرده در ممالک مسطوره نقاط
مهمه را غالباً منزلگاه قرار داده ایم - پرسیده ایم و هم
برای العین دیده ایم بخوبی و خوشی و آراستگی ایران
تا کنون ملکی را مشاهده نکرده ایم آن آب و هوا
و نعمت ایران حرام ناد بر کسانی که فهمیده و نسنجیده
آن مملکهارا رجحان بایران میدهند - بجان عزیز شما
که از وقت ورود باد کوبه الی کنون نظر ندارم که يك
شربة آب مثل آب ایران یعنی آبهای وسط طهران نوشیده
باشم براسی سخن میراند نه بلاف و کذاف که تا کنون
يك لقمه نان مثل نانهای وسط مازار طهران نخورده
ایم تا چه رسد شنای خاصه خانگی خودمان - این
مقدار از حاج ایرانی که در کشتیهای چند دریا نوردی
کرده - روح یکایک را دیده و فهمیده ام که از برای
یکقطعه نان ایران پرواز میکند - آب و نان را که
اصل حیات و ماده معاش بشری است اینطور باقیم - اما
انواع ام والوان ارزاق کویا آنچه اینجا یافت شود کما و
کیفا عمری از اعصار آنچه در وطن معظم ماها هست
نیاید

بل مسکنهای عالی و اسباب و مبل و ملزوم
مسکن مغربین و زنهای روباز بالباسهای طرح ظریف
و اقمشه نین لطیف و کالسه و در شکه و کشتیها
و کرجیها دردم اسکله ها و عظمت شهرها و کثرت
جهت آنها الی ممالک

آنچه راه زن مسافرن شبقتك شهوت پرست
میشود همین همدار زنها و بر زنها است

اگر عرض کنم اصل حقیقت ظلم و تعدی هم
اینجاها خیلی بیشتر از ایران است احتمال میدهم زیر
زحمت قبول در بایند

مقصود این است در دوستی چندین ساله و عالم
برادری این معلومت صحیحة حسیه خودم را بشما
هدیه میفرستم که خدای این سیاره با مردم ایران آن
قدر خصایص قسمت کرده است که بربالیت بنده در
حیرت آن هستم که آیا از چه رهگذر است - و بجه
موجب و یکدام استحقاق - خیلی احتمال میدهم که عرض
مرا اذعان صادق فرمایند - ولی انشاء الله تعالی عنقریب
راه آهن شام و بصره شمارا بیرون میکشد - خودتان هم
خواهید دید - بل معارف فرنگ و علوم و اکتشافات
و تعدیلات عمومی و نتایج حاصله آنها معلوم باد که
از موضوع عرض حقیر خارج است

از مشاهدات مهمه عظمت مرکز اسلامیت یعنی
شهر (اسلامبول) است - خصوصاً خود بوظا و تراکم
سفاین و بواقیر از صغیر و کبیر و جامع ابا سوفیا و
اطاق نیکچری و اواج جلوات اروپا از منوع و منسوج
و غیرها در نمازهای آنجا و آسودگی و خاموشی این
شهر - و دیگر شهر (آنا) پای تخت سابق یونان و شهر
(اسکندریه) یکی از مقابر فراعنه که پارسال در اسکندریه
کشف شده - و نیل مبارک - و عمودالسواری - و آزادی
شهر قاهره - و بنیان مرمان و داخله آن و اینه مسکونه
فراعنه از احجار عظیمة عجیبه و ابوالهول و کثرت
طلاب در جامع از هر - و اصل عالم کشتی از کشتی
سازی الی کشتی رانی يك عالم بزرگی است از علم و صنعت
که عقول را حیران میکند

این کشتی که ما را از اسلامبول بمقابل جدّه رسانید
و حکویا (عسفان) اسم دارد علی التقریب طولاً
عرض میدان توپخانه طهران را عرض کنم میگیرد - پنج
طبقه آبادانی دارد همه پر از بارو مسافرن حاج - ما همه
جا در قره منزل داشته ایم اهالی غیر قره را فردای روز
ورود بمقابل جدّه بردند در جایخارجی که فرستاده بدهند
نه لیره کرایه يك نفر است از اسلامبول الی جدّه
همه جا در خدمتند و چه در بواقیر جای مخصوص

کرقیم این ولایت در جنب ایران قلبی است روزی يك
هیزی دوغ آورده بودند یکی از حاجیان بيك مجیدی
خرید اسم آن حاجی آقا را نمی برم شاید راضی نباشد
از چند روز پیشتر کفتیهای بزرگ بسیار در جده جمع
شده و لنگر انداخته بودند -

روزی در جده يك بافور در جنب عبور بر خورده به
با فور دیگر و شکست و خرق شد

يك شب هم يك بافور آتش گرفت آن خریق و این
حریق هر دو را مخلص بچشم خود مشاهده کرد - از
تضایق الهیه آدمی در هیچ يك دوچار تلف نهد فقط
خساره مالی بود قایقهای کشتیهای دیگر که هم حاضر
و اغلب ناظر بودند هنرها نمودند اهالی را بیرون
آورده اسباب و اجزاء و قطعات مفصله کشتی را
از روی آب بردند - در حالتی که دریا هم تلاطم سختی
داشت از قایقهای این کشتی بزرگ که مادر آن هستیم و
از خواصهای عرب که در کشتی پهلوی ما بودند اقدامات
مردانه بروز کرد صندوقها گرفتند و آوردند - از جمله
يك گاو و يك کرپه را زنده گرفته بکشتی کشیدند ما
و کفتیهای دیگر را که در مابین این دو کشتی شکسته و
سوخته واقع است خدای تعالی حفظ کرد

(برد کشتی آنجا که خواهد خدای)

(درد جامه بر تن اسکر تا خدای)

پس از ساعتی کپتان با فور مکسور بملاقات کپتان ما آمد
الحاصل نصیهای فراوان بی پایان پرورد کار را
باید ملتفت باشیم و وطن نازنین خودمان را خیلی قدر
بدانیم و وهاب بی منت و فیاض بلاضلت را همواره
شکر بگذاریم

اعلیحضرت اقدس سلطان عثمانی خلداده ملکه بجناب
حجة الاسلام والمسلمین آقای حاجی شیخ فضل الله دامت
افاضه فوق العاده اظهار مرحمت فرموده اجازه حضور
سلطانی و موقع سلامتیق با همراهان دادند - و بعد بجامع
خاصه بحضور خواستند - جا دارد انسان از طهران
محض مشاهده شوکت اسلامیه در اقامه نماز جمعه و
حضور سلطان در جامع باسلامبول مسافره کنند - بمعدودی
از خواص اصحاب جناب شیخ دامت برکاته هریک يك
اتقیه دان مرحمت فرمودند - از آنجمله یکی هم بحقیق
مرحمت شد الحقی سعادتی عصر ما این است که طبقات

مسلمین و سپین دوستان عظیم القان معاصر واقع شده
اند اعلیحضرت سلطان فرموده بودند من از اعلیحضرت
مظفرالدین شاه سناً اقدم هستم ولی ایشان را برادری
بزرگ قبول کرده ام - و الحقی جناب اشرف پرنس
ارفع الدوله صغیر کبیر دام اقباله هم از بزرگان عظیم القدر
دولت علییه ایران است مهربانها و دلزبانهای این سره
بزرگ زیاده از آن است - سکه بنده بخوانم و همه را
بنویسم واقم (ش)

مکتوب قصه نما

(شماره ۷)

باری جواب بعضی از گفتات آن بود که شلیبی
ولی بعضی که هوا خواه سلطنت بودند و دوستار
واقعی دولت - دامن هارا بر یاز سنک کرده و بعضی
مرفان را بر شکستند - ولی انبوه مرفان را اجتماع آن
چند نفر مخلص نمی توانست که مخلص شود - مرفکان
بر هوا پریدند و سنک ریزه ها بمنقار گرفته و بر فرق
تزدیکان بار زدند که مضمون این آیه ظهور کرد
(الم ترکیف فعل ربك باصحاب القیل) بعضی مجروح
و برخی پراکنده و گروهی بر جان پادشاه ملامت کننده
که این است نتیجه اعمال و کیفر کردار زشت - و
هر چه ازین دوستان و معتمدان پادشاه درخواست
کرد که مرفان به محاکمه راضی هستند حاضر حضرت
شویب و بعنوان سابق خاضع باستان دولت - که کار
بر نهی قویم و اساسی مستقیم بهم تا کناهاکار از
درست کردار معلوم شود - نزدیکان گفتند که سلطنت
مستقبده حالش معلوم است چون حاوی احکام تمبیدی
است تمام مسئولیت او راجع به بعضی پادشاه و نفس
بیگناه حضرت سلطنت است - و چند نفر از ارباب
مناسب مالیه که آلت جارحه اند گفتند ما را هر چه گفته
کرده ایم - و هر چه فرمان داده برده ایم - و از ترس
لغزش در جاه و منصب همیشه معرض از حق و جایی
هوا جس و پناه پادشاهی مطلقه بوده ایم - و امروز مقابله
با این سپاه و محاکمه با این جمیت خیلی سخت است
و از دائره قدرت ما خارج مرفان چون امتناع
انسانی خلیفه را از محاکمه دیدند در هوا پریدند -
یکژی کردند - و فری نشان دادند - و پادشاه معصوم را
در پره گرفتند و با منقارهای کوچک که خارج باز

سفید در شب مولود مبارک حضرت رسالت حکومت امر کرد که مردم چراغان نمایند چنان چراغان شده که آلی کنون در اغلب شهرهای ایران اتفاق نشد. حاج مهربان محض ترغیب و تشویق اهالی بگردش رفته غالب نجار و دکاکین وجه تقد و هالیهای کفمیری باسم پیش کش تقدیم کرده قبول نکره مگر از بعضی يك هالی سفید بر دایقه فقیری میداده

یکی از نجار محترم گفت که تخمین مصارف چراغانی شهر زیاده از سی هزار تومان شده - شب در میدان تمام برستونهای دکاکین چراغ روشن میشود - و دور باغچهها نیز چراغ افروخته است - از يك بغروب مانده الی ساعت دوازده شب دو دستگاہ موزیک تمام مشغول ترنم است - روز یکشنبه چون جناب مستطاب عمده العلماء العظام ملاذالانام سرکار شریفتمدار حاجی شیخ علی زیدافضاله بجهت مسافرت خراسان بکرمانشاه آمده بودند حکومت ایشان و جناب مستطاب سلطان العلماء آقای حاجی امام جمعه کرمانشاه زیدفضله و سایر علمای شهر را دعوت کرده در میدان شهر قلعه و صندلی سکندارده و اطراف کوچهای طرف میدان را قراول نهاده که کسی داخل میدان نشود و امر کرد که عساکر نظامی حاضر شده و آنها هر حضور آقایان علما امتحان دهند تا آقایان بدانند تعلیم عساکر بجهت حفظ دولت سکه حافظ بیضه اسلام و ایمانند بجهت اندازه است اولاً اطفال معلمخانه عسکری که تویجی بودند آمده دو دست تویجی که هر يك از چهارده الی پانزده زیاده نبودند هر يك دست بعقب يك توب اطریش کوه پیکر ایستاده امر به تعلیم و مشق آنها داده شد فوراً بکمال جلالی و جستی مشغول مشق شدند وضع بر سکردن و خالی کردن توپها مایه حیرت عمومی گردید - پس از آن تویجهای دیگر که در عقب توب بزرگ اطریشی بودند دو دست در عقب دو توب مشغول تعلیم و مشق شدند - آنها هم در کمال جابجی و فرزی که ما فوق آن متصور نبود امتحان دادند

سپس عساکر پیاده اطفال که از معلم خانه با تفکهای سکوجک و رندل آمدند اطفال بسن ده ساله الی هیجده ساله مشغول مشق شدند و حرکات آنها بکمال انتظام بوده - بعد عساکر پیاده نظام آمده مشق کردند -

آنها نیز مورد تحسین شده همه با البسه نظامی که موجب حیرت عمومی شده بود - بعد از آن اطفال مدرسه عربی خوان آمده امتحان دادند - فارسی خوانها آمده یکی از آنها لطفی شیرینی در ترغیب حمایت وطن و تکمیل نواقص آن نموده فوراً جناب علاءالدوله از کمال غیرت کریان شد از کربیه ایشان جوی بکره اندر شدند - آنها هم امتحان داده رفتند - پس از آنها متعلمین فرانسسه آمده بکمال خوبی تکلم کرده و از مسئولات جواب دادند

سپس شاگردان علم حساب آمده یکی از آنها را انتخاب کرده از او سؤالات در تقسیم و ضرب و تفریق و استخراج مجهول شد - فوراً نزدیک سنک سیاه (ارهواز) رفته بناکرد بنوشتن و حساب نمودن در کمال سرعت آنچه از او سؤال شده بود جواب داده چون آفتاب غروب کرد زیاده از آن مجال نبود - آقای علاءالدوله محض احترام آقایان امر کرده بود موزیک دولتی مترنم نباشد ابداً صدائی بلند نبود تمام مردم برای تماشا در بامهای میدان از دحام نموده بود بعد امر شد - تمام عساکر آمده از مقابل ایشان دغله کرده رفتند - کویا تمام البسه و مصارف آنها را حکومت از کیسه همت و غیرت خود داده - در همان مجلس میانی العام باستانان و اطفال و سربازان و معلمان داده - رؤسای نظام کرمانشاه که کاهی در میدان مشق حاضر نشده نالباسهای رسمی مقدمه عسکر بودند - و همه روزه صبح و عصر افواج قاهره در کمال انتظام مشغول مشق اند - تخفه آنکه خود این حاج مهربان غالب شبها وارد میدان میشود و حال آنکه جالسین قهوه خانه هر يك در جای خود نشستند - یعنی حکم کرده که کسی نباید ملنم بقیام و سلام باشد - از بازار هم عبور میکنند همین قسم است هر زمان راه میرود خود او و دو نفر نوسکر پیش نیمت و چنان انتظام بکرمانشاه و اطراف آن داده که تکرانده از بیان آن قاسراست خداوند آن وجود محترم را در کرمانشاه باقی داشته و سایر حکام با غیرت راحم موفق باخذ سرمشق از ایشان فرماید سکه باقیی و الصالحات خوبست

« جلالین »

مکتوب (کرمانشاه) را یکی از موثقین کجیالانی

مکتوب از رشت

دولتین روس و انگلیس در ایران

اخبار نیورویا منطقه پترزبورگ در شماره ۲ (۱۸۷۷) مورخه ششم ماه ژون دربارهٔ تفویض روس و انگلیس در ایران عنوان مفصلی درج کرده من جمله مینویسد در اصول مطبوعه در باب محافظت ایران از هجمات و حملات خود پیمان و امتیاز جوان دولت روسیه را هر قدر ممکن بود مضارقت نه نموده ازین روی مطبوعات انگلیس را اقوال و افعال ما خوش نیامده است چنانچه (فینال سیال طمس) مطالب مندرجه جریده ما را ضمن تحصیل امتیاز معادن نفت که در حمت جنوب غربی حاصل نموده اند می نویسد که پیشرفت مقاصد روس در ایران چندان احمیق نداشته و نیز بقول ارباب سیاست انگلیس اعلیحضرت مظفرالدین شاه بیک اندازه از خیالات دول نسبت به ایران تلفت شده و اگر احیاناً هم کم بودی خیال داشته در این سفر و سیاحت صاحبان دانش و پیشوایان او را از مطلب برخوردار خواهند کرد که دولت ایران آقدر محتاج به دولت روس نیست که باین درجه از او تعلق گوید و نیز میگوید امید هست که در عوض انحصار تنباکو ایندفع امتیاز مخصوصی بدولت انگلیس داده شود که اسباب اتحاد و اتفاق دولتین انگلیس و ایران گردد

ساز جراید لندن بدین نط سخن میرانند چرا باید روسها ناراض باشند در باب کارکردن ما در معادن نفت و حال آنکه مملکت ایران مانند دشت و صحرائی است که هر کس بخواهد بی مانع میتواند هر خیالی که دارد بگریه داشت روسها باید ممنون ما باشند که از سقوط ما همه گونه در طرف شمال ممالک شاهانه بپیل خود حرکت میکنند جراید انگلیس گویا خیلی تعجب خواهند کرد هرگاه ما بگویم شما خیلی سهو و اشتباه دارید ملبع اینگونه فرمایید فقط ناراض بودن دولت انگلیس است که خیالات سایر دول را با خود همراه مینمایند هر چه بجای روس انگلیس می بود بلا شبهه مدتی قبل ایران غنذول و منکوت شکست بود و با هزاران شرایط مشکله مقارنه نامهای مقدمه میداشتیم که حرکت دولت ایران به هیچوجه بیسر نبود شبهه نیست هرگاه ما لو خراج دو قرن گذشت را ملاحظه کنیم و وضع ایران و روسی

مشوب بیچگونه اغراض نیست نکات این امر قابل تسلیم است که جناب علامه آملی در ما مأموریتند حکومت داد وطن خواهی داده و کوی دولت خواهی از همکنان ربوده است عنوان این مکتوب در نظر بسیاری از اهالی ایران عجیب و غریب خواهد نمود چه بچارگان این وضع انتظام و اینگونه سلوک را از حکم مستبد خود ندیده اند ولی در وطن واقع تمام حکام باین شیوه مرضیه مأمور و اگر برخلاف آن راه روند باید مسئول گردند - جای سوختن دل اینجاست که استمداد ملت ایرانیه در قبول نظام باین پایه است که در عرض دوسه ماه یک حکومت عادل شهریکه کثافتخانه بود بهترین شهرهای ایرانش می گویند و اهالی نادان او بدرجه قبول ترتیب می نمایند سکه رشک سائر مردم میکنند

اینها دلیل است بر اینکه بارها نوشته ایم ملک و ملت ایران برای همه گونه تربیت و آبادی مستعداند بلکه اگر دچار بیک هیئت سادقه شوند خود در تربیت ابناء جنس خویش و تسمیرات وطن خود اقدام می نمایند پس ازین عنوانات ظاهر گردید که مانع ترقیات ملت و دولت ایران مشق مفت خوران خود غرض از خود راضی اند که هم خود را صرف کرده که خزینه دولت را تاراج و ثروت ملت را چپاول نمایند خداوند ملت و دولت ایرانرا از شر اینگونه سده راه ترقی محفوظ دارد فرحتی که ازین مکتوب وطن خواهان را حاصل می شود به تصور اینکه این گونه ترقیات موقت که بسته بوجود یک نرحاک داناست مانند چراغ سحری می باشد زائل میگردد - یعنی بمجردیکه این حاکم دادخواه معزول شد و حکومت دیگر آمد محض نام خویش تمام آثار حسنه حکومت سابق را محو مینماید چنانچه بارها اینگونه تعریف هارا در اخبار نوشته پس از چندی همان آتش اولیه در کاسه بوده است اینها جمله نتیجه حکومتکهای مستبد است -

هر وقت دولت علیه مالیات را اداره کرد و حکام را در تحت قانون محدود نموده تصور ترقی در ایران وایم کرد - یقین است اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی پس ز هودت از فرنگستان این دو اصول کلبه را بملک ر ملت ارستان خواهند فرمود

را بدقت نگریم و بسنجیم تسبب خواهیم ساخت که دولت با اقتدار روس چگونه تاکنون دولت ایران را بحال خود گذارده است

بدیهی است عدم این اقدام برای تسخیر قفقاز بود چه تا چندی قبل ما در قفقاز بنوعیکه نمایان است رصوخ پیدا نکرده بودیم - هر چند بحر خزر در اختیار ما بود و ممالک کیلان و مازندران از اول قرن هجدهم تحت نفوذ ما هم رسیده میبود ولی ما بموضع اینکه پیش رویم حکومت خود را در قفقاز مستحکم نمودیم و نیز لازم بود دشت (تار) را بدست آورده بعد داخل شمال شرقی ایران شویم - اگر انگلیس بجای ما بود آیا تا امروز خود جاری میکرد البته نمیکرد - آیا برای افسری روس در ایران فقط قتل سفیر او بهانه کافی نبود علاوه از قتل سفیر بهانه های بسیار بدست ما افتاد و بازم اقدام در تسخیر ایران نکردیم نه بجهت اینکه شاید دچار مسائل مشکله شویم چه قوه جنگی ایران با معلوم و آشکار است ولی نخواستیم سلب اقتدار و اختیار یک دولت قدیم که همسایه ما بوده است بخانیم - اگر چه برای تسخیر آسیای وسطی قبضه ایران مالازم است ولی عمده مقصود از اراضی آسیا تقدماً تحصیل سواحل [بحر عمان] میباشد و از آن خیال باز نخواهیم ایستاد بملت اینکه قیام مادر دامنه جبال [کابیدداغ] منوط به پیش قدمی است این امر ممکن است که نصف جنوبی را بایران یا بهر دولت دیگر باشد و اگذار نمایم - چه اگر غیر ازین راه اختیار کنیم از راه نمائی تاریخ روس بکنار می افتیم یعنی خلاف تدبیر تاریخ حرکت کرده ایم سبب این است که ما نمیتوانیم خودمان را راضی کنیم که اجابتی بهر وسیله باشد در ایران صاحب نفوذ کرد هرگاه مقصود ما گرفتن ایران بود پس از آنکه دشت قیپجان را تسخیر نمودیم ممکن بود ایران هم که از تطاول ترکاتان دائم متزلزل بود بگیریم و آنکهی نفوذ و رسوخ ما بر خراسان و سایر ایالات شمالی ایران نمره زحمت و مخارج ماست در سواحل بحر خزر امروز اقتدار ما در ایران بدرجه میباشند که سلطنت بدون نافذه ما نمیتواند استقامت حاصل کرد اینک اسباب آسایش ایران قوت و نفوذ ماست

شاید ملت انگلیس به گویند که نفوذ ما در شمال شرقی مانند رسوخ انگلیس در جنوب ایران است هرگاه ما بنحیالات انگلیس در جنوبی ایران ممانعت کنیم آنوقت

است که در شمال آنها هم ما را ممانعت کنند و صورت نتوانیم به طرف سواحل همان پیش روییم باین دولت ادعای انگلیس در جنوبی ایران به چندین راه باطل است - صرف لارد کرزن تصدیق میکند که ممالک هند منتهی میشود به شط العرب و بس - هر این صورت روس باین تصدیق حکومت هند رضا خواهد داد بلکه به (قاسا) نیز راضی نخواهد شد هرگاه ما تاکنون به تسخیر ایران اقدام نموده ایم نه از این است که از کسی بلك داشته یا مالی برای خود تصور کرده ایم بلکه از برای فیصله بعضی کارهاست که تاکنون ما را به صبر و شکیبائی آشنا و مجبور نموده است

◀ جلالالتین ▶

جنگ زرگری بزرگان یا بعبارة اخرا رقابت دولت فرنگ درباره ایران بعضی را مأیوس نموده - و برخی را مغرور - این همه و از نتیجه جهالت و غیبتی و سستی عیصر است - رجال محترم که خیرخواه دولت بلکه خیر اخلاف خویش را می خواهند و بر تربیت اسلاف خود رحم می آورند شایسته است که نه بر رقابت دو همسایه خود مغرور شوند - و نه از هیاهوی توب و تفنگ فرنگ مأیوس - از جنگ ترسوال سرمشق گیرند و از آن رجال با غیرت همت بیاهوزند - البته ازین باید به ترسند که هر دولت موضوع رقابت واقع گردد رقابت مخدول و منکوب و شکار شیران شکاری اروپا میکرده (کنج شو نه کنج جو خوش تر کدام المصاف ده

طعم شکر داشتن یا طمع شکر داشتن)

هنوز دولت علیه ایران بدرجه کمال موضوع رقابت شیران شکاری فرنگ واقع نمید. وقتی که راه آهن هند بیستان و خراسان و بلوچستان و کرمان نزدیک شود و دولت آلمان راه آهن تا سواحل فارس را قبضه اقتدار خود بگیرد و دولت روس تا طهران یا یکی از بنا در سواحل فارس از دوراه زمین را بحدوزد اگر دولت علیه بوضع حالیه مسلک داشته باشد طبعاً موضوع رقابت یعنی شکار شیران شکاری واقع خواهد گردید تا مدت تکمیل این طرق تجارتی و سیاحتی که کتر از ده سال است ملت و دولت ایران را فرصت باقی و وقت هر دست میباشد

چنانچه وقتی واقعات امروزه خلیج فارس را ده سال قبل می نوشتیم برخی بر ما خنده می کردند شاید